باز بین شد
۱۳۵۳ غ
۲۳ مهر ۱۳۵۳
کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب مناسک حج فارسی
مصنف
مؤلف سید محمد باقر
خطی نستعلیق ۱۱ سطری
چاپی
سال چاپ یا تحریر ۱۲۰۶ عدد اوراق ۸۵ *
جزء کتب فقه شماره
شمارهٔ عمومی ۸۰۰۴ شمارهٔ قفسه
واقف خریداری تاریخ وقف ۱۳۲۹
طول ۱۵ عرض ۱۰ گنجینه

* ظاهراً کامل است ولی با توجه به بررسی کاشف الغطاء ۲۵ ورق کسر دارد
۹۳۹/۲۱

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
باز بین شد
باز بین شد
۱۳۵۳ غ

٤٧٧٧

سال ۱۳٤۰ خورشیدی
بازبینی شد

بازبینی شد
۱۳۵۳ غ

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین الصلوة والسلام
علی رسوله سید الاولین والاخرین واله
وعترته الطیبین الطاهرین **اما بعد** مقصر درگاه
رب العالمین وخادم آثار ائمه محمد باقر الموسوی
بعرض برادران دینی میرساند که این رساله ایست
در بیان آداب واعمال حج در اوان به بیت الله العظیم
بسمت تحریر رساند ومرتب نمود این رساله را
بمقدمه ودو مقصد وخاتمه ومقدمه منحصر است در سه مطلب

مطلب اول

اول در اداب سفر **دویم** **وسیوم** در تقسیم
حج باقسام ثلثه بدان ای طالب طریق سداد هداکم الله
تعالی وایانا سبیل الفلاح والرشاد اهم امور نسبت بقاطبه
افراد این است که ملتفت احوال خود بوده واهتمام تمام
نموده که ذمه خود را بقدر مقدور از حقوق الهیه جلت
عظمته وحقوق ناس در جمیع احوال بری نموده خصوصا
در اوان مسافرت سیما در حین عزم بسفر بیت الله العظیم
چه مقصود مسافر در انشاء این سفر نیست مگر اطاعت
وبندگی معبودی که لا یعزب عن علمه مثقال ذره
فی السموات والارض ومشخص است که حقیقة بنده
با مخالفت پروردگار حقیقی امری است غیر معقول

وشآمیت در غایت مهجور بعد از آن تفویض امور مهمّه
خود است بشخص متدیّن موثوق به و ضبط و ثبت امور
خفیه است بجدّی که اگر موتی در حق این شخص واقع شود
ندامتی در مساهله و مسامحه نداشته باشد سفر سفریست خطیر
حیات امریست بی‌اعتبار و تعلّق با مور دنیا نهایت
سریع الزوال است بعد از این مراحل مناسب مواظبت
اموری است که از ارکان دین ثابت شده است
از جمله آنها مستحب است در حق مسافر در حین ارادهٔ خروج
دو رکعت نماز بکند در هر رکعت حمد و هر سوره که خواهد
بخواند و اگر در رکعت ثانیه بعد از حمد اختیار سورهٔ
توحید نماید در قنوت دعا در امور مهمهٔ خود نماید نسب

خواه

خواهد بود و بعد از فراغ از صلوة در قنوت نماز این
دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَوْدِعُکَ نَفْسی وَاَهْلی
وَمالی وَذُرِّیَّتی وَدُنْیایَ وَاٰخِرَتی وَ
اَمانَتی وَخاتِمَةَ عَمَلی و در حدیث وارد است
که نیّت بنده که چنین کند مگر آنکه پروردگار عالم
عطا میفرماید او را هر چه را که سؤال نموده است
حاصل ظاهر معنی این دعا این است که خدایا امانت
می سپارم بتو نفس خودم را و اهل و فرزندان
و ذریهٔ خود و مال و دنیای خود و آخرت خود و امانت
خود و خاتمهٔ عمل خود و امر او از سپردن اهل و عیال
ظاهر است یعنی اینها را که بتو می سپارم که اذیتی

برکت محافظت از تو با آنها رسد و آنها محافظت فرموده
صحیحاً بمن رد فرموده باشی و گویا مراد از سپردن امرت
این باشد که در جائی که از لطف مرحمت خود با جهة توفیق
بعضی طاعات و اعمال حسنه بجهة من مقرر فرموده بنوعی
نشود که بجهة ارتکاب معاصی سادی اعمال از آنها محروم
شوم و شاید مراد از امانت دین این شخص بوده باشد
که امانتی هست از جانب خداوند عالم و مراد از خاتمه عمل
میتواند این بوده باشد که خاتمه عمل خود را بتو سپردم
که محافظت فرمائی از شیطان و از آخر عمر اذیتی از آن
ملعون بمن نرسد و در فقیه در آخر حدیث وارد است
که نیت هیچ بنده که چنین کند یعنی این دو رکعت نماز را

بکنه

بکند و هیچ عار بخواند مگر آنکه پروردگار عالم عطا
میفرماید او را هر چه را که سؤال نموده است و در بعضی از
کتب بنظر رسیده که روایتی از جناب سید اوصیا علیه
الاف التحیة والثنا که روزی عرض لشکر را ملاحظه
میفرمودند پدر و پسری دیدند بسیار شبیه بیکدیگر داشتند
حضرت از ملاحظه شدت شباهت فرمودند الله اکبر
پدر عرض کرد بعد از استنباط شدت تعجب از آن
سرور با امیر المؤمنین عجب تر از ین قضیه دارم بعد از
صدور رخصت از آنحضرت در اظهار مطلب عرض کرد
که وقتی عازم بودم در رکاب فخر کائنات صلوات
الله علیه و آله در سفر جهاد رفته باشم این پسر که

کتابخانه آستان قدس

ملاحظه میفرمائی در آن وقت در حمل ما در خود بوده و در
اوان حرکت بسفر عرض کردم که خداوندا این فرزند
که در شکم ما در هست اورا بتو سپردم و استدعای من
این است که اورا بسلامت به بنده خود رد نمائی و بسفر
رفتم و بعد از مراجعت از سفر جهاد دیدم که زن فوت
شده بود و طفل را با خود بگور برده بود و مدتی بر من
بر من گذشت از مصیبت آن طفل گریه و زاری می نمودم
شبی در خواب دیدم که نوری از قبر آن ضعیفه بیرون
آمد و بسوی آسمان بلند شد چون بیدار شدم
از این خواب در تعجب شدم تا سر قبر آن ضعیفه رفتم صدای
کودکی بگوشم رسید سر قبر باز کردم دیدم این فرزند

به پستان

به پستان ما در خود چسپیده شیر میخورد فرزند را گرفته
از گور برآوردم و گفتم خداوندا چه میشد که ما در این
طفل زنده میشد ندائی شنیدم که ایمرد آنچه بما سپرده
بودی ما نیز رد کردیم و در کافی در حدیث معتبر مرویست
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام وقتیکه اراده سفر
میفرمودند اهل و عیال خود را در خانه جمع میفرمودند
و این دعا را میخواندند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَوْدِعُكَ
الغَداةِ نَفْسی وَمالی وَاَهْلی وَوَلَدی
الشّاهِدَ مِنّا وَالغائِبَ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنا وَاحْفَظْ
عَلَیْنا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنا فی جِوارِكَ اَللّٰهُمَّ لا
تَسْلُبْنا نِعْمَتَكَ وَلا تُغَیِّرْ بِنا مِنْ عافِیَتِكَ

و فضلک و در کتب معتبره بسند صحیح از جامع المجالس
والمکارم جناب امام موسی کاظم ع مرویست که فرمودند
که هرگاه کسی اراده سفر نماید و بایستد در خانه خود
در مقابل سمتی که متوجه آن سمت میشود پس بخواند فاتحة
الکتاب را یکبار پیش روی خود و در جانب یمین و یسار
و در هر سمتی یکبار و همچنین آیة الکرسی را در پیش روی
خود و در جانب یمین و یسار خود بعد از آن بخواند
اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِي وَسَلِّمْنِي وَسَلِّمْ
مَا مَعِي وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِي بِبَلَاغِكَ
الْحَسَنِ الْجَمِيلِ هرگاه چنین نماید خداوند عالم محافظت
فرماید او را و آنچه را که با او هست و برساند او را

و آنچه

و آنچه را که با او است و ممکن است که گفته شود در بیان
تفرقه مابین این سه عبارت مراد از محافظت محافظت
نمودن از امور خارجیه مثل قطاع الطریق و دزد و نحو آنها
و مراد از سلامت سلامتی مزاج است از ناخوشی و
مرض و سلامت راحله است از مرض و سلامت زاد است
از ضایع شدن و شکستن ظروف آن و مراد به تبلیغ
رسانیدن بمقصود ظاهراً و باطناً مثل رسانیدن بحج
و بقبول آن و رسانیدن و غیره برکت در آنها و مخفی
نباشد اینها که مذکور شد در مطلق سفر است و در
خصوص سفر حج در حدیث صحیح وارد است از حضرت
کاشف الاسرار و دقایق جناب امام جعفر صادق ع

که فرمود وقتی که بیرون رفتی از خانه خود واراده حج
وعمره داشته باشی پس دعای فرج رابخوان وآن
دعا این است لا اِلهَ اِلّا اللهُ الحَلیمُ الکَریمُ
لا اِلهَ اِلّا اللهُ العَلِیُّ العَظیمُ سُبحانَ اللهِ رَبِّ
السَّمواتِ السَّبعِ وَرَبِّ الاَرَضینَ السَّبعِ
وَما فیهِنَّ وَما بَینَهُنَّ وَما تَحتَهُنَّ وَرَبِّ
العَرشِ العَظیمِ وَالحَمدُ لِلهِ رَبِّ العالَمینَ
بعد از آن بگو اَللّهُمَّ کُن لی جاراً مِن کُلِّ جَبّارٍ
عَنیدٍ وَمِن کُلِّ شَیطانٍ مَریدٍ بعد از آن بگو
بِسمِ اللهِ دَخَلتُ وَبِسمِ اللهِ خَرَجتُ وَفی
سَبیلِ اللهِ اَللّهُمَّ اِنّی اُقَدِّمُ بَینَ یَدَی
نسیانی

نِسیانی وَعَجَلَتی بِسمِ اللهِ وَما شاءَ اللهُ
فی سَفَری هذا ذَکَرتُهُ اَو نَسیتُهُ اَللّهُمَّ اَنتَ
المُستَعانُ عَلَی الاُمورِ کُلِّها وَاَنتَ الصّاحِبُ
فِی السَّفَرِ وَالخَلیفَةُ فِی الاَهلِ اَللّهُمَّ هَوِّن
لَنا سَفَرَنا وَاطوِ لَنا الاَرضَ وَسَیِّرنا
فیها بِطاعَتِکَ وَطاعَةِ رَسولِکَ اَللّهُمَّ
اَصلِح لَنا ظَهرَنا وَبارِک لَنا فیما رَزَقتَنا
وَقِنا عَذابَ النّارِ اَللّهُمَّ اِنّی اَعوذُ بِکَ
مِن وَعثاءِ السَّفَرِ وَکَآبَةِ المُنقَلَبِ وَسوءِ
المَنظَرِ فِی الاَهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ اَللّهُمَّ اَنتَ
عَضُدی وَناصِری بِکَ اَحُلُّ وَبِکَ اَسیرُ

اللهم انی اسئلک فی سفری هذا السرور
والعمل بما یرضیک عنی اللهم اقطع عنی بعده
ومشقته واصحبنی فیه واخلفنی فی اهلی
بخیر لا حول ولا قوة الا بالله اللهم انی
عبدک وهذا حملانک والوجه وجهک
والسفر الیک وقد اطلعت علی ما لم یطلع
علیه احد فاجعل سفری هذا کفارة
لما قبله من ذنوبی وکن عونا لی و
اکفنی وعثه ومشقته ولقنی من القول
والعمل برضاک انما انا عبدک وبک
ولک پس در وقتی که پای خود را در رکاب

میگذاری

میگذاری بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
والله اکبر پس در وقتی که بر راحله خود قرار گرفتی
بگو الحمد لله الذی هدانا للاسلام ومن
علینا بمحمد صلی الله علیه واله سبحان
الله الذی سخر لنا هذا وما کنا مقرنین
وانا الی ربنا لمنقلبون والحمد لله رب
العالمین اللهم انت الحامل علی الظهر و
المستعان علی الامر اللهم بلغنا بلاغا یبلغ
الی خیر بلاغا یبلغ الی مغفرتک ورضوانک
ورحمتک اللهم لا طیر الا طیرک
ولا خیر الا خیرک ولا حافظ غیرک

طیر بمعنی شوم است یعنی شومی نیست مگر آنچه را تو شوم
کرده باشی و همچنین چیزی نیست مگر آنکه از جانب تو
بوده باشد و از جملهٔ آداب سفر و مستحبات آن
تصدق است و در احادیث معتبره در رعایت آن
وارد شده در کتب معتبره در حدیث صحیح وارد شده است
که تصدق بکن و هر روز که خواسته باشی انشای سفر بکن
مراد این است که تصدق رد نحوست ایامی که در آن
سفر مذموم است میکند ظاهر این است که کفایت میکند
تصدق نمودن خواه قبل از دو رکعت نماز که مذکور شد
بوده باشد یا بعد از آن حین خروج از خانه قبل
از وصول بدر خانه یا بعد از وصول قبل از سوار شدن

بوده

بوده باشد یا در رکاب بوده باشد یا بعد از آن
و جمع در میانه همه اکمل خواهد بود و مستحق آن مطلق فقرا است
لکن ایصال بصلحا و مقدسین و عدول البته اولی است
مطلب دویم در فضیلت حج است در کافی بسند صحیح
مرویست که اعرابی آمد بخدمت جناب رسول خدا
بعد از آنکه آن سرور از حج فارغ شده بود و کوچ
نموده بود عرض کرد یا رسول الله من از خانه بیرون
آمدم بقصد حج مانع بهم رسید من مال بسیاری دارم
امر فرمائی مرا که عمل بیاورم در مال من عملی را که
ثواب آن ثواب حج بوده باشد پس جناب
سرور عالم التفات فرمود بسوی کوه ابوقبیس پس فرمود

ای اعرابی اگر بقدر کوه ابوقبیس طلا داشته باشی و
صرف کنی آنرا در راه خداوند عالم نمیرسی باین بقدر
فضیلتی که اهل حاج بآن فضیلت رسیده اند ایضاً
در کافی مرویست از ابراهیم ابن میمون که گفت
من عرض کردم بخدمت حضرت صادق ع که ما دو نفر
شریکیم یکسال من بحج مشرف میشوم و سال دیگر
شریک من حضرت فرمود چه چیز مانع تست از حج
ای ابراهیم عرض کردم خداوند عالم مرا الفدای
تو کند نظر بمشاغلی که دارم ممکن نمیشود در هر سال
مشرف شوم و لکن در سالی که مشرف نمیشوم پانصد
دینار تصدق میدهم بعوض حج حضرت فرمود

حج افضل است عرض کردم که هزار درهم یا هزار دینار
تصدق میدهم فرمود حج افضل است عرض کردم هزار
یا پانصد دینار تصدق میکنم فرمود حج افضل است عرض
کردم هزار درهم یا دو هزار دینار خرج میکنم
فرمودند آیا در دو هزار تصدق طواف بیت الله
هست عرض کردم نه فرمودند در دو هزار تصدق سعی
مابین الصفا و مروه میباشد عرض کردم نه فرمودند
آیا در دو هزار دینار تصدق که میکنی وقوف بعرفات
میباشد عرض کردم نه فرمودند آیا در دو هزار تصدق
رمی جمرات میباشد عرض کردم نه فرمودند در دو
هزار تصدق اعمال حج هست یا نه عرض کردم نه فرمودند

حج افضل است و احادیث در فضیلت حج بسیار است
مطلب سیوم در اقسام حج است بدانکه حج بر سه قسم است
حج تمتع و این تکلیف اشخاصی است که مسافت مابین
آنها و مابین مکه بقدر شانزده فرسخ یا بیشتر بوده باشد
و بعضی از علما فرموده اند که هرگاه مسافت بقدر چهار
فرسخ بوده باشد تکلیف حج تمتع است و مختار قول
اول است و قسم ثانی حج افراد است و سیوم حج
قران است و این هر تکلیف اشخاص باشد که مسافت
مابین آنها و مکه معظمه کمتر از شانزده فرسخ بوده باشد
بنا بر مختار و چهار فرسخ بنا بر قول مختار و فرق ما
بین حج تمتع و دو قسم دیگر با شتراک هر سه قسم

در بسیار از امور در چند چیز است اول آن است
که عمره در حج تمتع مقدم است بر حج و در دو قسم دیگر
مؤخر است و ثانی این است که عمره و حج در حج تمتع هر دو
لازم است در اشهر حج که عبارت از شوال و ذی القعده
و ذی الحجه بوده باشد بتفصیلی که مطلع خواهی شد
واقع شود و بخلاف حج قران و افراد که عمره آنها
در غیر این ماهها نیز ممکن است که واقع شود و ثالث
آن است که احرام عمره در حج تمتع لازم است از احد
مواقیت که بوده باشد در صورت مرور بیکی از آن
مواقیت و در صورت عدم مرور لازم است که محرم
شود از موضعی که محاذی احد مواقیت بوده باشد

واحرام در حج تمتع لازم است از مکه بوده باشد بخلاف
حج افراد و قران و عمره آنها که چنین نیست بلکه اگر
منزل او در مکه است محرم میشود و در مکه مثل متمتع و اگر
در غیر مکه است محرم میشود در منزل خود در صورتیکه
اقرب از میقات بوده باشد بعرفات یعنی در
عمرۀ قران و افراد لازم است که خارج شود از حرم
و محرم شود از اقرب مواضع بمکه و رابع آن است
که در عمرۀ تمتع طواف نسا واجب نیست بخلاف عمرۀ
حج افراد و قران که طواف نسا در هر دو واجب است
پس در عمرۀ حج قران و افراد دو طواف واجب است
و وجوه دیگر نیز هست در بیان تفرقه مابین اقسام

مذکوره

مذکوره لکن در این مقام این قدر که مذکور شد
کفایت می نماید مقصد اول در بیان مواقیت است
و چونکه دانستی که حج واجب در حق اشخاصی که دورند
از مکه معظمه زادها الله تعالی اعزازا و اشرافا بقدر
شانزده فرسخ یا زیاده تر حج تمتع است و غالب
ناس چنین است لهذا در اینمقام اختصار میشود
بیان حج تمتع پس میگوئیم معلوم شد که واجب است
احرام در عمرۀ تمتع در یکی از مواقیت واقع شود
پس لازم است معرفت مواقیت پس بدانکه
مواقیت متعدد است اول مسجد شجره است و آن
میقات اهل مدینه دوم جحفه است و آن میقات

اهل شام است سیوم قرن المنازل است و آن میقات
اهل طایف است چهارم یلملم است و آن میقات
اهل یمن است و پنجم وادی عقیق است و آن میقات
اهل عراق است و هر کسی که مرور نماید یکی از آن
مواقیت لازم است که محرم شود از آن اگرچه از اهل
بلاد مذکور نبوده باشد و اگر کسی یکی از آن مواقیت
مرور نکند لازم است که محرم شود بموضع محاذی
یکی ازین مواقیت و وادی عقیق که میقات
اهل عراق است آنچه مستفاد از اخبار و کلمات
علما میشود امتداد آن تقریبا بمقدار هشت فرسخ است
اول آن مسلخ است و وسط آن غمره است و آخر
آن

آن ذات عراق است و در هر یک ازین مواضع ثلاثه
که محرم شود کافی است لکن افضل این است که محرم شود
از مسلخ بعد از آن غمره بلکه احوط این است که تاخیر
احرام یا که ذات عراق نماید مقصد دویم در بیان
افعال عمره تمتع و آن پنج است اول احرام است
ثانی طواف است ثالث دو رکعت نماز طواف است
رابع سعی مابین صفا و مروه است خامس تقصیر است
تقصیر است پس درین پنج مبحث است مبحث اول
در بیان احرام است بدان ای قاصد بیت الله که اهم
امور در همه عبادات خلوص نیت است از شوایب
خلل و نقصان پس باید سعی و تامل و جد و جهد

تمام نماید که انشای این سفر نشود مگر محض امتثال
و فرمان برداری و اطاعت و بندگی خداوند عالم
جل جلاله و بعد از وصول یکی از مواقیت اول مستحب است
که تطهیر و تنظیف بدن نمودن از چرک و کثافت
و غبار و چیدن شارب و ناخن و نوره کشیدن
بعد از آن غسل احرام نماید و نیت نماید که غسل احرام
عمره تمتع میکنم سنت قربة الی الله بعد از آن غسل نماید
و در وقت شروع تا وقت غسل کردن سنت است
که این دعا بخواند بسم الله و بالله اللهم
اجعل لی نورا و طهورا و حرزا و امنا
من کل خوف و شفاء من کل داء و سقم

اللهم طهرنی و طهر لی قلبی واشرح لی
صدری واجر علی لسانی محبتک و
مدحتک والثناء علیک فانه لا قوة
لی الا بک قد علمت ان قوام دینی التسلیم
لامرک والاتباع بسنة نبیک صلواتک
علیه واله واین غسل مستحب است بعمل آورده
شود در میقات و قبل از ورود میقات جایز
نیست مگر در صورتی که خوف عدم وجود آب
در میقات باشد درین صورت میتواند غسل را قبل
از ورود میقات بعمل آورد و هرگاه در چنین
صورت غسل را قبل از ورود میقات بعمل آورد

و بعد از غسل فساد اعتقاد او منکشف شود مستحب است
اعادهٔ غسل در میقات چنانچه مستحب است اعادهٔ
غسل در صورتی که بپوشد بعد از غسل و قبل از احرام
لباسی را که جایز نبوده باشد پوشیدن در حق محرم
یا بخورد چیزی را که حرام بوده باشد یا خوردن
آن در حق محرم یا استعمال عطری نماید که در حق
محرم استعمال آن جایز نبوده باشد و امّا هرگاه
بعمل بیاورد سایر محرمات را مثل عقد نمودن و غیره
ظاهر این است که حکم باستحباب اعادهٔ غسل
ممکن نبوده باشد و ظاهر این است در صورت
عدم تمکن از غسل تیمم بدل از غسل توان نمود و همچنین

در جمیع موارد اغسال مستحبه و بعد از غسل هرگاه تعجیل در
احرام نموده خوب و اگر تعجیل ننماید تا غروب آنروز
اکتفا بهمان غسل میتوان نمود و هم چنین است غسلی که در
اول لیل واقع شود اجتزای بآن در آخر لیل
میتوان نمود اگرچه مدت متخلل شده باشد ما بین
غسل و احرام اگرچه نوم بوده باشد لکن اولی
اعادهٔ غسل است با تخلل حدث خصوصا نوم و بعد از
فراغ از غسل می پوشد دو جامهٔ احرام را یکی مثل
لنگ می بندد و بخود بهمان قدر که بپوشد ما بین السره
و الرکبه را کفایت میکند لکن اولی این است که تا بساق
برسد و ثوب دیگر مثل ردا بر دوشش می اندازد

ولکن احد طرف را بطرف دیگر نه بندد و جایز است
ثوب ثانی را بطریق توشیح نیز بپوشد مثل آنکه جامه را
بدوش خود انداخته باشد و بعد از آن یکطرف آنرا
در زیر بغل راست گذرانیده بدوش راست اندازد
و جایز است در صورتی که حاجت داعی بوده باشد
مثل شدت حرارت و یا برودت هوا علاوه از
دو جامه می پوشد و تبدیل جامه بجامه دیگر اگر خواهد
جایز است لکن اولی این است که طواف در همان جامه
اول نماید و هر جامه که مصلی در آن نماز می تواند نمود
می تواند جامه احرام نماید در حین اراده لباس
احرام پوشیدن نیت نماید که این جامه را می پوشم

امتثالا لامر الله تعالی و طلبا لمرضاته بعد از آن بپوشد
سنت است که در وقت پوشیدن لباس احرام این دعا را
بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی رَزَقَنِی مَا اُوَارِی
بِهٖ عَوْرَتِی وَاُؤَدِّی بِهٖ فَرْضِی وَاَعْبُدُ
فِیْهِ رَبِّی وَاَنْتَهِی فِیْهِ اِلٰی مَا اَمَرَنِی رَبِّی
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِی وَاَرَدْتُهُ
وَاَعَانَنِی وَقَبِلَنِی وَلَمْ یَقْطَعْ لِی وَوَجْهَهُ
اَرَدْتُ فَسَلَّمَنِی فَهُوَ حِصْنِی وَكَهْفِی وَ
حِرْزِی وَظَهْرِی وَمَلَاذِی وَمَنْجَای
وَمَلْجَای وَذُخْرِی وَعُدَّتِی فِی شِدَّتِی
وَرَجَائِی و بعد از آن شش رکعت نماز احرام را

بعمل آورد واگر اقتصار بدو رکعت نماز نماید مجزی است
و در رکعت اول بعد از قرائت فاتحة الکتاب بهتر
این است که سورهٔ قل یا ایها الکافرون بخواند و در
رکعت ثانی بعد از حمد سورهٔ قل هو الله احد بخواند
وافضل این است که محرم شود عقب فریضه از
فرایض یومیه واکمل عقب فریضه ظهر است و در
صورتیکه احرام عقب فریضه بوده باشد اولی
این است که اتیان نماید بسنت احرام قبل از فریضه
مگر در صورتیکه وقت فریضه مضیق بوده باشد
در آنوقت فریضه را مقدم میدارد واگر وقت فریضه
حاضره نباشد و فائته در ذمه او بوده باشد

اولی آن است سنت احرام بعمل آورد و بعد از آن
فریضه فائته را بعمل آورد و آن محرم شود تا احرام
عقب فریضه بوده باشد بعد از فراغ از صلوة
مستحب است اتیان بحمد و ثنای جناب منعم نوال
نماید واین دعا را نیز بخواند اللهم انی اسئلک
ان تجعلنی ممن استجاب لک وامن بوعدک
واتبع امرک فانی عبدک وفی قبضتک
لا اوقی الا ما وقیت ولا اخذ الا
ما اعطیت وقد ذکرت الحج فاسئلک
ان تعزم لی علیه علی کتابک وسنة
نبیک صلی الله علیه واله وتقوینی

عَلیٰ مَا ضَعُفْتُ عَنْهُ وَتَسَلَّمْ مِنِّی مَنَاسِکِی
وَفِی یُسْرٍ وَعَافِیَةٍ وَاجْعَلْنِی مِنْ وَفْدِکَ
الَّذِینَ رَضِیتَ وَارْتَضَیْتَ وَسَمَّیْتَ وَ
کَتَبْتَ اللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ لِی حَجَّتِی وَعُمْرَتِی و بعد
از آنکه نیّت صحیح عمره تمتّع نموده باشد دانستی که عمره
عبارتست از احرام و طواف و دو رکعة
نماز طواف و سعی مابین صفا و مروه و تقصیر
باین نحو نیّت نماید که ای معبود و پروردگار
من چون براین بندهٔ عاصی روسیاه فرموده
عمره و حج را در این وقت بتوفیق و اعانت تو
ای پروردگار من وارد میقات شده‌ام

شروع مینمایم بعمرهٔ تمتّع بجهة اطاعت و انقیاد و
فرمان برداری تو ای خداوند من و صاحب
اختیار من در اینوقت مستحب است بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اُرِیدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ اِلَی الْحَجِّ
عَلیٰ کِتَابِکَ وَسُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
وَآلِهِ فَاِنْ عَرَضَ لِی شَیْءٌ یَحْبِسُنِی فَحُلَّنِی حَیْثُ
حَبَسْتَنِی لِقَدَرِکَ الَّذِی قَدَّرْتَ عَلَیَّ
بعد از آن نیّت احرام که اوّل اجزای عمره است
نماید باین نحو که من کفّ نفس خود را میکنم از
از پوشیدن مخیط و استعمال عطر و صید برّی و
اکل آن و عقد نمودن و شاهد بر عقد شدن

وفسوق یعنی کذب وسبّ وجدال یعنی قول لا والله
وبلی والله وتقبیل و وطی کردن ونظر بشهوت بزن
نمودن وسرمه کشیدن ونظر در آینه نمودن وخون
از بدن اخراج نمودن وازاله مو از بدن نمودن
وناخن چیدن وسر پوشیدن وپشت پا پوشیدن
وسایه بر سر قرار دادن وکشتن جانوران بدن
مثل شپش وغیره بلکه از القای آنها از بدن وقطع
درخت وحشیش از حرم وانگشتر در دست کردن
بجهة زینت وپوشیدن سلاح در حالت اختیار و
ارتماس در آب واستمنا ظاهرا که نیست که اخطار
اینها تفصیلا لازم لازم نبوده باشد بلکه مجملا

کافی

کافی بوده باشد باین نحو که نیت کند که کفّ نفس
خود را میکنم در اموری که خداوند عالم نهی از آنها
فرموده در حق محرم بعد از آن واجب است تلبیه بگوید
باین نحو لبّیکَ اللّهمَّ لبّیکَ لا شریکَ لکَ
وفتح الهمزه وکسر الهمزه هر دو جایز است لیکن
کسره بهتر است اگر همین قول را این تلبیه ثالثه ورابعه
بگوید بهتر خواهد باین نحو لبّیکَ اللّهمَّ لبّیکَ
اِنَّ الحمدَ والنِّعمةَ لکَ والملکَ لا شریکَ
لکَ لبّیکَ فتح همزه انّ وکسر انّ هر دو جایز است
لکن کسر بهتر خواهد بود وافضل از همه این است
که اتیان بآنها نماید مع قصد قربة واگر بعد ازین

کیفیت که مذکور شد لفظ لک را بعد از والملک
اتیان نماید و اعاده تلبیات اربع نماید انشاالله
اکمل خواهد بود باین نحو گوید لَبَّیْکَ اَللّٰهُمَّ لَبَّیْکَ
لَبَّیْکَ اِنَّ اَلْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ وَالْمُلْکَ لَکَ لاشَرِیکَ
لَکَ لَبَّیْکَ بعد از اتیان تلبیه احرام منعقد میشود
واجب است اجتناب از امور مذکوره ظاهر این است
اکتفا بتلبیات اربع یکبار میتوان نمود لکن مستحب است
تکرار تلبیه و در حدیث معتبر وارد شده است که هر کس
در حال احرام هفتاد مرتبه تلبیه بگوید قربة الی الله تعالی
شاهد بگیرد خداوند عالم هزار هزار ملائکه را ببری
بودن آن شخص از آتش جهنم و سنت است تلبیه گفتن

درحال

در حال صعود و هبوط و در عقب صلوة واجب و در نماز
مستحب از اسحار و در وقت بیدار شدن از خواب
و در وقت ملاقات نمودن سواره و سنت است در
حق رجال جهر در تلبیه و در حق نساء اخفات و سنت است
اکثار که بسیار بگوید لَبَّیْکَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّیْکَ
و در حدیث صحیح وارد شده است در مقام بیان
تلبیه که باین نحو گوید لَبَّیْکَ اَللّٰهُمَّ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ
لاشَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ اِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَکَ
وَالْمُلْکَ لاشَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ ذَا الْمَعَارِجِ
لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ دَاعِیاً اِلٰی دَارِ السَّلامِ لَبَّیْکَ
لَبَّیْکَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ اَهْلَ

التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ لَبَّيْكَ
لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا اِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ
تُبْدِءُ وَالْمَعادُ اِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ كَشّافَ
الْكُرُوبِ الْعِظامِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ
عَبْدَيْكَ لَبَّيْكَ يا كَرِيمُ لَبَّيْكَ بدان ای طالب
بیت الله الکریم معنی لبیک آن است که اجابت ام
تو میکنم ای پروردکار عالم وایستاده ام وبندگی
تو چونکه بر من واجب فرموده حج وعمره را اختیار بعد
از عیال وفرزند ومال نموده ام وتحمل زحمات
ومشقت سفر شده ام بجهه امتثال امر پروردکار خود پس
تامل نما که کیست مخاطب تو وبا که خطاب مینمائی ملتفت

عظمت

عظمت معبود خود بشود حقارت وپستی خود را بنظر
درآورد در خطاب بمعبود نمودن با غفلت قلب
از معبود از امارات طرد از ساحت حضور است
پس سعی نما در وقت کفتن لبیک خاضع وخاشع
وخایف وکریان باشی واز جمله حکایات جکرسوز
که مزید اسباب غفلت از کوش امثال ما غافلان است
حکایة تلبیه فخر العالمین واسوة العارفین جناب سید
الساجدین صلواة الله وسلامه علیه میباشد وبیان
این است که سفیان ابن عتبه نقل میکند که جناب علی
ابن الحسین علیهما السلام بعد از انکه محرم شد رنک
مبارک آن سرور زرد شد ولرزه باعضای مبارکش

ظاهر گردید بحدی که قدرت لبیک گفتن نداشت عرض کردند
چرا لبیک نمیگوئید فرمود تشویش این داریم که اگر لبیک
بگوئیم پروردگار عالم بفرماید لا لبیک و لا سعدیک بعد
از آنکه از زبان ایشان جاری شد لَبَّیْکَ اَللّٰهُمَّ لَبَّیْکَ
بیهوش شدند و از مرکب بزیر افتادند همواره حال
آنحضرت چنین بود تا از اعمال حج فارغ شدند
ای برادر عزیز قلت خوف و خشیة از جناب رب العزت
و کثرت آن تابع قلت و کثرت معاصی نیست بلکه تابع
قلت و کثرت معرفت است هرکس معرفت او بخداوند
عالم بیشتر است خوف و خشیة او بیشتر خواهد بود چنانکه
جناب سید ساجدین علیه السلام در بعضی از مناجات فرموده

اخشی

اَخْشیٰ خَلْقِکَ بِکَ اَعْرَفُهُمْ بِکَ یعنی خایفترین
مردمان بتو ای پروردگار عالم آن کسی است که
اعرف بتو بوده باشد از دیگران لهذا سید
ساجدین ع با آنکه معرا و مبرا از جمیع معاصی بودند
و مرتبه عبادت ایشان بحدی بوده در بعضی از کتب
بنظر رسیده که در مدت پانزده سال نماز صبح را
با وضوی نماز مغرب بجا میفرمودند با این مرتبه عبادت
این بود حال آنسرور در حین لبیک گفتن پس
تفکر در حال خود نما و تاسی با امام خود کن احتراز کن
از آنکه لبیک از زبان تو جاری شود تو از معبود
غافل باشی و مخفی نبوده که رجحان تکرار تلبیه در عمره

تمتع ثابت است تا آنکه خانهای مکه مشاهده شود
بعد از مشاهده خانهای مکه آن وقت قطع تلبیه نماید
و چون در حال احرام مقصود از تلبیه اجابت و جواب
دعوت جناب احدیت است لهذا در مقام جواب
و عقب هر یک بدیگری بلبیک مرجوح و منهی عنه است
پس در حال احرام جواب دادن بلبیک مکروه است
بدانکه زنان را لازم نیست در حال احرام اجتناب نماید
از لبس مخیط بلکه جایز است در حق زن آنکه محرم شود
در جامه که پوشیده است در احرام طهارت محرم
شرط نیست بنا بر این زن در حال حیض محرم میتواند
شد غسل احرام و سایر آداب مذکوره را بعمل آورد

نماز

نماز احرام را بعد از آن محرم میشود بلکه میتوان گفت
بعنوان قاعده که جمیع افعال عمره و حج را در حال حیض
اتیان میتواند نمود مگر طواف و دو رکعت نماز طواف را
مبحث دویم در طواف است و درین چند مقام است
اول در آداب دخول حرم است و این چند چیز است
اول در آداب دخول حرم است و این چند چیز است
اول مستحب است غسل بجهة دخول در حرم دویم سنت است
دخول در حرم ماشیاً با برهنه در حالتیکه کفشهای
خود را گرفته باشد بهر دو دست خود سیوم سنت است
در حین دخول در حرم اینعبارا بخواند بسم الله
الرحمن الرحیم اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِی کِتَابِكَ الْمُنْزَلِ

وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَاَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ
رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ
عَمِيقٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَرْجُو اَنْ اَكُونَ مِمَّنْ
اَجَابَ دَعْوَتَكَ وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ
بَعِيدَةٍ وَمِنْ فَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَ
مُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِاَمْرِكَ وَكُلُّ ذَالِكَ
بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَاِحْسَانِكَ اِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ
عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ اَبْتَغِي بِذَالِكَ الزُّلْفَةَ
عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ اِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ
وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي

عَلَى

عَلَى النَّارِ وَآمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ
بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمُ چهارم از جمله مستحبات خاییدن
اذخر است بعد از دخول در حرم و آن گیاهیست عریض
الاوراق مقام دویم در آداب دخول در مکه است
و آن نیز چند امر است اوّل غسل کردن بجهة دخول
در مکه دویم دخول مکه است در حال نظافت ثوب و بدن
از کثافات سیوم داخل شدن مکه است پا برهنه مع
آدام ظاهری و باطنی مقام سیوم در آداب دخول در
مسجد الحرام است و مستحبات آن است و آن چند امر است
اوّل غسل است بجهة دخول در مسجد الحرام است در غسل اوّل
قصد همه نماید ظاهرا کافی بوده باشد دویم مستحب است

دروقتیکه در مسجد الحرام رسید توقف نماید واین دعا
بخواند بسم الله وبالله ومن الله وما
شاء الله وعلى ملة رسول الله صلى الله
عليه واله وخير الاسماء لله والحمد لله
والسلام على محمد رسول الله والسلام على
محمد ابن عبد الله السلام عليك ايها النبي
ورحمة الله وبركاته السلام على انبياء
الله ورسله السلام على ابراهيم خليل الله
الرحمن السلام على المرسلين والحمد لله
رب العالمين السلام علينا وعلى عباد
الله الصالحين اللهم صل على محمد وال محمد

وبارك

وبارك على محمد وال محمد وارحم محمدا وال
محمد كما صليت وباركت وترحمت على ابرهيم
وال ابراهيم وال ابراهيم انك حميد
مجيد اللهم صل على محمد وال محمد عبدك
ورسولك وعلى ابراهيم خليلك وعلى
انبيائك ورسلك وسلم عليهم وسلام
على المرسلين والحمد لله رب العالمين
اللهم افتح لي ابواب رحمتك واستعملني
في طاعتك ومرضاتك واحفظني
بحفظ الايمان ابدا ما ابقيتني جل ثناء
وجهك والحمد لله الذي جعلني من

وفده وزواره وجعلني ممن يعمر مساجده
وجعلني ممن يناجيه اللهم اني عبدك و
زائرك في بيتك وعلى كل مأتي حق لمن
اتاه وزاره وانت خير مأتي واكرم
مزور فاسئلك يا الله يا رحمن فانك
انت الله الذي لا اله الا انت وحدك لا
شريك لك وبانك واحد احد صمد
لم تلد ولم تولد ولم يكن له كفوا احد
وان محمدا عبدك ورسولك صلى الله عليه
واله وعلى اهل بيته يا جواد يا كريم يا
ماجد يا جبار يا كريم اسئلك ان تجعل

تحفتك

تحفتك اياي بزيارتي اياك اول شيء
تعطيني فكاك رقبتي من النار بعد از آن
سه مرتبه میگوئی اللهم رقبتي من النار و
اوسع علي من رزقك الحلال الطيب و
ادرأ عني شياطين الانس والجن وشر
فسقة العرب والعجم اگر وقت مساعدت نماید
ازین دعا که مذکور شد این دعا را بخواند در حالتیکه
ایستاده باشد در مسجد الحرام بگوید السلام علیک
ایها النبي ورحمة الله وبرکاته بسم الله
وبالله ومن الله وما شاء الله والسلام
علی انبیاء الله ورسله والسلام علی

رسول الله والسلام على ابراهيم خليل الله
والحمد لله رب العالمين **سیوم** دخول در مسجد است
پا برهنه با خضوع وخشوع **چهارم** بعد از آنکه داخل در مسجد
شد مستحب است اینکه بایستد رو بکعبه و هر دو دست را
بلند کند و این دعا را بخواند اللهم انی اسئلك فی
مقامی هذا فی اول مناسکی ان تقبل
توبتی وان تجاوز عن خطیئتی وتضع
عنی وزری الحمد لله الذی بلغنی بیته
الحرام اللهم انی اشهدك ان هذا بیتك
الحرام الذی جعلته مثابة للناس وامنا
مبارکا وهدی للعالمین اللهم انی

عبدك

عبدك والبلد بلدك والبیت بیتك
جئت اطلب رحمتك واؤم طاعتك
مطیعا لامرك راضیا بقدرك اسئلك
مسئلة المضطر الیك الخائف لعقوبتك
اللهم افتح لی ابواب رحمتك واستعملنی
بطاعتك ومرضاتك **پنجم** از جمله مستحبات
نظر کردن بسوی کعبه است در حال استقبال و توجه
بسوی آن بلکه مطلقا واخبار در فضیلت نظر کردن
بکعبه بسیار است و در وقت نظر کردن بکعبه این دعا
بخواند الحمد لله الذی عظمك وشرفك
وکرمك وجعلك مثابة للناس وامنا

مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ **ششم** مستحب است
بعد از دخول در مسجد الحرام در وقتیکه محاذی حجر الاسود
می‌ایستد این دعا را بخواند اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا
اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ
اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللّٰهِ
وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ
وَالْعُزّٰى وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ
كُلِّ نِدٍّ يُدْعٰى مِنْ دُونِ اللّٰهِ **هفتم** در وقتی که
که نزدیک بحجر الاسود رسید مستحب است که بایستد
و دستها را بگشاید حمد و ثنای الهی نماید و صلواة
بر محمد و آل اطهار آن جناب بفرستد و سوال نماید

از درگاه

از درگاه بارفعت الهی که اعمال ناقصه او را قبول
فرماید آنوقت دست و صورت خود را بحجر الاسود
بمالد و او را ببوسد و اگر نظر بازدحام ناس
ممکن از بوسیدن نبوده باشد اکتفا نماید بدست
رسانیدن بحجر الاسود و اگر قدرت بر رسانیدن
نیز نداشته باشد اشاره نماید بسوی حجر و مستحب است
در این وقت این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اَمَانَتِي
اَدَّيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي
بِالْمُوَافَاةِ اَللّٰهُمَّ تَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ وَعَلٰى
سُنَّةِ نَبِيِّكَ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

وَرَسُولِهِ آمَنْتُ بِاللهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ
وَالطَّاغُوتِ وَبِاللَّاتِ وَالْعُزّٰى وَعِبَادَةِ
الشَّيْطَانِ وَعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعٰى مِنْ
دُونِ اللهِ و دران حالت که دستها بلند بوده بگوید
اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدَيَّ وَفِيمَا عِنْدَكَ
عَظُمَتْ رَغْبَتِي فَاقْبَلْ مَسْحَتِي وَاغْفِرْ لِي وَ
ارْحَمْنِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ
وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ هشتم مستحب است که طواف را نزد زوال
زوال شمس بعمل آورد نهم آن است که در
حین طواف نمودن پا برهنه پا برهنه بوده باشد

دهم آن است که در حین طواف نمودن خطوات
یعنی گامها نزدیک بهدیگر بوده باشد یازدهم
که در هر شوط از اشواط طواف دست بحجر الاسود
رساند و ببوسد حجر را بامکان و عدم ایذای
غیر و اگر در هر شوط ممکن نبوده باشد در شوط
اول و آخر سعی نموده ببوسد دوازدهم آن است
که در جمیع احوال طواف مشغول بذکر خدا و ندعا
باشد با خضوع و خشوع سیزدهم مستحب است در حال
طواف این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
بِاسْمِكَ الَّذِي يُمْشٰى بِهِ عَلٰى طَلَلِ الْمَاءِ
كَمَا يُمْشٰى بِهِ عَلٰى جُدَدِ الْاَرْضِ وَاَسْئَلُكَ

بِاسْمِكَ الَّذِی یَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُكَ وَأَسْئَلُكَ
بِاسْمِكَ الَّذِی یَهْتَزُّ لَهُ اَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ
وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِی دَعَاكَ بِهِ مُوسٰی
مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَلْقَیْتَ
عَلَیْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِی
غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا
تَأَخَّرَ وَأَتْمَمْتَ عَلَیْهِ نِعْمَتَكَ اَنْ تَفْعَلَ بِی
كَذَا وَكَذَا و در آن حال آنچه مطالبی که داری از
خداوند عالم بخواه که ان شاء الله تعالی با جابت میرسد
توضیح بطاء بی نقطه است ظاهر این است که بضم طا بوده باشد
و فتح لام یعنی روی آب و همچنین جدد بضم جیم و دال

و دال بی نقطه است یعنی روی زمین و ایضا سنت است
که در حال طواف این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اِلَیْكَ
فَقِیرٌ وَاِنِّی خَائِفٌ مُسْتَجِیرٌ فَلَا تُغَیِّرْ جِسْمِی
وَلَا تُبَدِّلْ اِسْمِی یازدهم سنت است که در هر شوط
از طواف که بدر خانه کعبه میرسد صلواة بر محمد و
آل محمد بفرستد و این دعا بخواند سَائِلُكَ بِبَابِكَ
فَقِیرُكَ بِبَابِكَ وَمِسْكِینُكَ بِبَابِكَ فَتَصَدَّقْ
عَلَیْهِ بِالْجَنَّةِ اَللّٰهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُكَ وَالْحَرَمُ
حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهٰذَا مَقَامُ الْعَائِذِ
بِكَ الْمُسْتَجِیرِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَاَعْتِقْنِی وَوَالِدَیَّ
وَاَهْلِی وَوُلْدِی وَاِخْوَانِیَ الْمُؤْمِنِینَ

من النارِ یا جوادُ یا کریمُ پانزدهم سنت است
در وقت رسیدن برکن یمانی سر را بلند نماید بسوی
کعبه و بگوید الحمد لله الذی شرّفک و عظّمک
والحمد لله الذی بعث محمداً صلی الله علیه
وآله نبیاً وجعل علیاً اماماً اللهم اهد له
خیار خلقک وجنّبه شرار خلقک شانزدهم
مستحب است در ما بین حجر الأسود و رکن یمانی این دعا
بخواند ربنا آتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة
حسنة وقنا عذاب النار هفدهم مستحب است
بعد از بلوغ بحجر الأسود قبل از رسیدن بمحاذات
میزاب سر را بلند کند و نظر بمیزاب بدارد و بگوید

اللهم

اللهم ادخلنی الجنة برحمتک وأجرنی برحمتک
من النار وعافنی من السقم وأوسع علیّ
من الرزق الحلال وادرأ عنّی شرّ فسقة
الإنس والجن وشرّ فسقة العرب والعجم
هیجدهم سنت است در وقتی که برسد به پشت کعبه این
دعا را بخواند در حین تجاوز نمودن از حجر اسمعیل این
دعا بخواند یا ذا المنّ والطول والجود والکرم
إنّ عملی ضعیف فضاعفه لی وتقبّله منّی
إنک أنت السمیع العلیم نوزدهم سنت است
بغل گرفتن رکن یمانی و دست مالیدن جمیع ارکان
سنت است ایستادن نزد مستجار و بغل گرفتن آن

در شوط سابع رو را بمستجار گذاردن و اعتراف نمودن
بگناه خود و سوال مغفرت نمودن از خداوند عالم
و هم چنین سنت است که این دعا را بخواند نزد مستجار
اَللّٰهُمَّ اَلبَیتُ بَیتُكَ وَالعَبدُ عَبدُكَ وَهٰذا
مَقامُ العائِذِ بِكَ مِنَ النّارِ اَللّٰهُمَّ مِن
قِبَلِكَ الرَّوحُ وَالفَرَجُ و مبالغه در دعا و الحاح
مطالب دنیوی و اخروی نماید و اما واجبات
طواف پس در آن چند چیز است اول واجب است
در حال طواف ستر عورت نماید دویم لازم است
طهارت از خبث یعنی در حال طواف واجب است
بدن و لباس از نجاست پاک بوده باشد مگر نجاستی

که معفو

که معفو عنها است در نماز مثل خونی که کمتر از درهم
بغلی بوده باشد و ظاهر که اینچنین نجاست معفو
بوده باشد لکن احوط اجتناب است سیوم طهارت
از حدث است خواه حدث اکبر بوده باشد یا اصغر پس
طواف واجب با عدم وضو جایز نیست بلکه باطل است
چهارم واجب است که نیت نماید که طواف عمره تمتع
می‌نمایم در عمرهٔ تمتع یا طواف حج تمتع مینمایم در عمرهٔ
تمتع یا طواف حج تمتع مینمایم واجب قربة الی الله
پنجم واجب است در حال طواف هفت شوط بوده باشد
یعنی هفت مرتبه دور خانهٔ کعبه بگردد ششم واجب است
در حال طواف خانهٔ کعبه را در جانب یسار خود قرار دهد

نهم واجب است در جمیع احوال طواف در خارج خانهٔ
کعبه و حجر اسمعیل بوده باشد پس هرگاه در بعضی احوال
طواف قدم گذارد ببعضی دیوار اساس کعبه یا ببعضی
از اجزای دیوار حجر اسمعیل باطل خواهد بود دهم واجبست
که طواف مابین مقام حضرت ابرهیم و کعبه بوده باشد
بلکه لازم است رعایت این مسافت در جمیع احوال طواف
پس محاذی حجر الاسود قرار دهد آن وقت شروع
بطواف نماید تا عود بهمان وضع نماید آن وقت
یکشوط طواف تمام میشود و همچنین لازم است تا هفت
شوط تمام شود و اما آنچه که جمعی از اعاظم علما فرموده
که لازم است جزء اول از مقادیم بدن مثل سر دماغ

یا انگ

یا انگشت بزرگ پای چپ یا مقدم شکم در حق
کسیکه چاق بوده باشد محاذی جزو اول از حجر
الاسود قرار دهد آن وقت شروع در طواف نماید
ظاهر این است که واجب نبوده باشد بلکه این موجب
عسر و حرج است با غلبه و ازدحام سیما نسبت بجزو
اول حجر الاسود که مرئی نیست بلکه در تحت تکه واقع
شد بلکه حق این است که همین قدر که جانب یسار
در محاذی حجر الاسود قرار دهد بهر نحو که بوده باشد
کفایت میکند لکن لازم است که عود بهمان حالت را
یکشوط قرار دهد و مخفی نماند که این حجر الاسود بدو
امر یکقطعه بوده و بعد از آنکه خانه کعبه منهدم شد

این سنگرا چندین قطعه کرده اند بقصد تیمن و تبرک
هر کس یکقطعه را نگاه داشته بود تا آنکه وقت بنای
خانهٔ کعبه شد اجزاء و آلات را جمع نمودند و اجزاء
حجرالأسود را بجای کعبه قرار دادند و حقیر اجزاء آنرا
که شمردم چنین در نظر هست که هفده قطعه یا متجاوز
میباشد که نصب کرده اند و در اطراف آن
قطعات سنگهٔ سیاهی گویا قرار داده اند و این سنگ
قطعات حجرالأسود هست بسیار مشتبه میشود بکسانیکه
تازه میروند کاهست که او را بدو طواف قرار میدهند
البته ازین غافل نباید شد که این اجزاء حجرالاسود
نیست و بایستد واجبست که در ابتداء طواف

محاذ

محاذی حجرالاسود بایستد هشتم واجبست که حجر اسمعیل را
در حال طواف داخل نماید یعنی حجر را در حال طواف
در جانب یسار خود قرار دهد نهم واجب است در جمیع
احوال طواف خارج از اجزاء خانه کعبه و حجر اسمعیل
بوده باشد پس هرگاه در بعضی احوال طواف قدم
گذارد ببعضی از اساس کعبه یا از بعضی از اجزاء دیوار
حجر اسمعیل باطل خواهد بود دقیقه درین مقام هست
که غافل از آن شدن موجب مفسدهٔ عظیمه میشود
بیان آن این است که در اطراف خانه کعبه بقدر یکشبر
زیادتر از فضای آنرا کم نموده اند و این مقدار
خارج از بنای خانه کعبه مانده و این سمتی شادروانست.

واین مقدار از مسافت البته می باید داخل در طواف
بوده باشد یعنی که مکلف در خارج آن می باید
طواف نماید پس در اثنای طواف که دست مالیدن
ارکان مستحب است و هم چنین بوسیدن رکن یمانی و رکن حجر
و بوسیدن خود حجر الأسود و درین احوال این شخص داخل
این فضا میشود پس بعد از بوسیدن رعایت این
نماید که خود را پس کشیده بحالت اول عود نماید آن
وقت شروع بطواف نماید تا در جمیع اجزای طواف
خارج از آن فضا بوده باشد بدانکه معرفت ارکان
مناسب است رکن عراقی رکنی است که حجر الأسود در آن
منصوب است و از آن گذشته که رو بباب خانه کعبه است

اگر

رکنی که متصل است باول حجر اسمعیل آن رکن شامی است
بعد از آنکه گذشت از حجر اسمعیل آن رکنی که منتهی الیه حجر است
رکن مغربی است و از آنکه گذشت بمستجار میرسد و از آن
بسمت مستجار نیز رود و اول بمستجار میرسد که مقابل باب
کعبه واقع شده و رکنی که بعد از مستجار است آن رکن
یمانی است و اشرف ارکان اربعه این دو رکن است
یعنی رکن یمانی و رکن عراقی دهم واجب است که طواف
ما بین مقام حضرت ابراهیم ع و کعبه بوده باشد بلکه
لازم است رعایت این مسافت در جمیع احوال طواف
پس هر گاه در بعضی از اشواط طواف دورتر شود
ازین مسافت ما بین مقام حضرت ابراهیم ع و کعبه

بوده باشد بلکه لازم است رعایت این مسافت
در جمیع احوال طواف پس هرگاه در بعضی از اشواط
باطل خواهد بود در جانب حجر اسمعیل این مسافت مقدر
میشود از منتهی الیه حجر است تا آن موضع که محاذی
آن بوده باشد بدانکه آنچه واجب است از طواف
همین هفت شوط است خواه در عمره بوده باشد
یا حج خواه طواف نسا بوده باشد یا غیر لکن
مستحب است اکثار در طواف تا سیصد و شصت
شوط طواف نماید بحث سیوم در صلواة طواف است
بدانکه بعد از طواف واجب است بر مکلف که برود در
مقام حضرت ابراهیم و مراد از مقام حضرت ابراهیم

سنگی است

سنگی است که حضرت ابراهیم بر آن ایستاده و
بنای کعبه مینمود و بر آن سنگ اثر قدم شریف
آن حضرت میباشد و در عصر حضرت ابراهیم
در جنب خانه بود و در ایام جاهلیت آن سنگرا نقل
نموده اند و در مکانی که حال در آن مکان است
گذارده اند و در ایام رسالت جناب پیغمبر آخر الزمان
صلواة الله وسلامه علیه وآله با آن حضرت آن سنگرا
نقل نمودند در مکان اصلی خود قرار دادند و در آن
مکان بود تا مجموع ایام رسالت ص و مجموع ایام خلافت
خلیفه اول و در بعضی از زمان خلیفه ثانی تا آنکه خلیفه
ثانی چنین صلاح دانست که رد شود در مکانی که در ایام

جاهلیت در آن مکان بود تا تجدید مکان طواف با آن
شود لهذا بامر خلیفهٔ ثانی سنگ را نقل نمودند در آن
مکان که حال در آن مکان هست معلوم است که خود
آن سنگ چیزی نیست که نماز در آن توان نمود بلکه مراد
این است که بعد از فراغ از طواف واجب است
برود مکلف نزد آن سنگ و در خلف آن سنگ
بایستد و دو رکعت نماز کند و نیت چنین نماید
که دو رکعت نماز طواف عمرهٔ تمتع میکنم واجب قربة
الی الله تعالی در رکعت اول بعد از حمد اولی آنست
که سورهٔ قل هو الله احد را بخواند و در رکعت ثانیه
بعد از حمد قل یا ایها الکافرون و بعد از فراغ از دو رکعت

نماز

نماز سنت است که برود نزد چاه زمزم و یک دلو یا دو
دلو از چاه بکشد و قدری از آن بخورد و قدری
بر سر و پشت و شکم خود بریزد و این دعا را بخواند اللّهمّ
اجعله علماً نافعاً و رزقاً واسعاً و شفاءً
من کل داءٍ و سقمٍ بعد از آن برود نزد حجر
الاسود و دست بحجر الاسود بمالد و حجر الاسود را ببوسد

مبحث چهارم در سعی و مطلوب در سعی بیان میشود در دو فصل

فصل اول در واجبات است بدانکه واجبات در
سعی چند چیز است اول نیت است که سعی مینمایم
و راه میروم مابین صفا و مروه در عمرهٔ تمتع مثلاً
واجب قربة الی الله دوم آن است که هفت شوط

سعی نماید و مراد از شوط درین مقام یکمرتبه راه
رفتن است مابین الصفا والمروه که از صفا تا مروه
شوط اول است و از مروه تا صفا شوط ثانی است
وهمچنین تا آخر سیوم واجب است در سعی که ابتدا
از صفا نماید باین نحو که بعد از نیت پاشنهٔ دو پا را
بصفا چسبانیده شروع برفتن بسمت مروه نماید
تا برسد بمروه یعنی انگشتهای دو پا بمروه برسد
آن وقت شوط اول تمام میشود و بعد از آن بقصد
شوط ثانی نماید پاشنهٔ دو پا را بمروه بچسباند پس
شروع برفتن بسوی صفا نماید تا برسد بصفا مثل
اول آنوقت شوط دویم تمام میشود وهمچنین نماید تا آخر

یعنی هشتم که از صفا ابتدا می نماید و چشم بمروه بچسباند
در وقتی است که ببالای صفا نرفته باشد پس اگر
ببالای صفا رفته باشد بهمان پائین آمدن از صفا
اکتفا مینماید بعد از نیت و همچنین است حال در مروه
و چونکه قبل از شروع نمودن بسعی مستحب است که ببالای
صفا رفته باشد مشغول بدعا شود و همچنین است
بعد از فراغ از شوط اول است که ببالای مروه برود
مراد این است که اگر ببالای صفا یا مروه رفته باشد
اکتفا بهمان انحدار مینماید دیگر لازم نیست که در اول
شوط عقب پاها را باول صفا یا باول مروه بچسباند
واما هرگاه ببالا نرفته باشد لازم است که چنین نماید

یعنی در چهار شوط پاشنه دو پا را بصفا بچسباند
و انگشتان دو پا را بمروه و در سه شوط پاشنه
دو پا را بمروه بچسباند و انگشتان آن پاها را بصفا چهارم
آن است که در حین رفتن از صفا بمروه پشت بصفا نموده
و روی بجانب مروه نماید و در حین رفتن از مروه
بجانب صفا بعکس یعنی پشت بمروه نموده و روبصفا نماید
اول در مستحبات سعی است و آن بسیار است اول
آن است که ~~بیرون رفتن~~ در حال طاهر از حدث و خبث
بوده باشد دویم آن است که بیرون رود از مسجد الحرام
بسوی صفا از دری که محاذی حجر الاسود است سیوم
آن است که بالا رود بر روی صفا و در آنجا نظر کند

بخانه

بخانه کعبه در حالتی روی نموده باشد بسوی رکنی که حجر الاسود
در آن رکن می باشد چهارم مستحب است که توقف نماید
در روی صفا و مشغول شود بحمد و ثنای خداوند عالم
و بخاطر بیاورد نعمتهائی که پروردگار عالم باو عطا
فرموده از اول تا آن وقت و استقصای آن نعمتها نماید
با تأمل و تفکر در آن و اعتراف بعظم آن نعمتها
نماید بجایهای غیر متناهیه که پروردگار عالم باو
عطا فرموده و از جمله آنها همین نعمت عظمی است
که بآن رسیده که بشرف وصول به بیت الله است
که سلاطین دوران قابل نیستند که باین فوز عظیم
فایز شوند و در آنجا مشغول بمناجات با قاضی الحاجات

بتضرع وابتهال وسنت است که هر یک از الله اکبر
والحمد لله ولا اله الا الله را هشت بار بگوید
بعد از آن سه مرتبه بگوید لا اله الا الله وحده
لا شریك له الملك وله الحمد یحیی و
یمیت وهو حی لا یموت وهو علی کل
شیء قدیر بعد از آن صلواة بر پیغمبر واهل بیت
آن سرور بفرستد سه مرتبه بگوید الله اکبر
علی ما هدانا والحمد علی ما اولانا والحمد
لله الحی القیوم والحمد لله الحی الدائم
وباز سه مرتبه بگوید اشهد ان لا اله الا
الله واشهد ان محمدا عبده ورسوله

لا نعبد

لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین و
لو کره المشرکون و همچنین سه مرتبه بگوید اللهم
انی اسألك العفو والعافیة والیقین
فی الدنیا والآخرة بعد از آن سه مرتبه بگوید
اللهم آتنا فی الدنیا حسنة وقنا عذاب
النار بعد از آن نیز مستحب است هر یک از الله اکبر
ولا اله الا الله والحمد لله وسبحان الله
یکصد مرتبه بگوید بعد از آن بگوید لا اله الا
الله انجز وعده ونصر عبده وغلب
الاحزاب وحده فله الملك وله
الحمد وحده وحده اللهم بارك لی

فی الموت وفی ما بعد الموت اللهم انی
اعوذ بك من ظلمة القبر ووحشته
اللهم اظلنی فی ظل عرشك یوم لا ظل
الا ظلك تبسم مستحب است که بسیار بگوید [illegible] ظلك
استودعك دینی ونفسی واهلی
بهر کسان که خواهد خوب است بعد از آن بگوید
استودع الله الرحمن الرحیم الذی
لا یضیع ودایعه نفسی ودینی واهلی
ومالی وولدی اللهم استعملنی علی
کتابك وسنة نبیك وتوفنی علی
ملتهم واعذنی من الفتنة و در حدیث

وارد است

وارد است که جناب امیر المومنین بعد از بالا رفتن بصفا
روی بکعبه میفرمودند دستها را بالا نموده این دعا را
میخواندند اللهم اغفر لی کل ذنب اذنبته
قط فان عدت فعد علی بالمغفرة فانك
انت الغفور الرحیم اللهم افعل بی ما انت
اهله ولا تفعل بی ما انا اهله فانك ان
تفعل بی ما انت اهله ترحمنی وان تعذبنی
فانت غنی من عذابی فانا محتاج الی
رحمتك فیا من انا محتاج الی رحمته
ارحمنی اللهم لا تفعل بی ما انا اهله
فانك ان تفعل بی ما انا اهله اللهم

تعذبنی ولن تظلمنی اصبحت اتقی عدلک
ولا اخاف جورک فیا من هو عدل لا
یجور ارحمنی ششم مستحب است طول مکث در
صفا و مروه و در حدیث وارد است که مال بسیار
شود پس طول دهد مکث را در صفا و مروه هفتم
مستحب است در وسط هر یک از هفت شوط هروله
یعنی ما بین مناره و کوچه عطارین بسرعت راه رود
قریب دویدن با نزدیک گذاشتن گامها و در
دو طرف دیگر راه رود با تأنی و آرام در
حالتیکه راه بسرعت رود یعنی در حال هروله
در شوط اول با جمیع اشواط سنت است این دعا بخواند

بسم الله

٤٦ بسم الله والله اکبر وصلی الله علی
محمد وعلی اهل بیته اللهم اغفر لی
وارحم وتجاوز عما تعلم انک انت
الاعز الاجل الاکرم و در شوط اول
با جمیع اشواط بعد از آنکه بکوچه عطارین رسید
که منتهی الیه هروله است در شوط اول این دعا بخواند
یا ذا المن والفضل والکرم والنعماء والجود
اغفر لی ذنوبی فانه لا یغفر الذنوب
الا انت هشتم مستحب است بالا رفتن بر مروه
وبعمل آوردن بعد از فراغ از سعی تقصیر که آخر
افعال عمره است باید باین نحو که تقصیر میکنم

برای عمره تمتع واجب قربة الی الله و مراد از تقصیر درین
مقام آن است که جدا نماید از بدن خود چیزی که
از مو یا ناخن را بعنوان تخییر پس هرکدام از مو و ناخن را
که از بدن جدا نمود و خارج میشود از عمره بانتها رسید
جمیع چیزهای که باو حرام بود حلال میشود مگر صید
مقصد سیوم در بیان افعال حج است و افعال حج
دوازده است احرام و وقوف در عرفات
و وقوف مشعر و جمره در منی و ذبح یا نحر و حلق یا
تقصیر و طواف حج و دو رکعت نماز طواف
و سعی بین الصفا و المروه و طواف نسا و دو رکعة
نماز آن و بیتوت منی بعد از عود بآن که حمیت

درمنی

درمنی بوده باشد در لیالی تشریق و رمی جمرات
الثلث در هر روز از ایام تشریق و این افعال
در ضمن چند مباحث بیان می شود مبحث اول در احرام
حج است بدانکه آدابی که مذکور شد در احرام عمره
مستحب است در احرام عمره حج پس مستحب است در وقت
اراده احرام حج تنظیف و تطهیر از کثافات و
نوره کشیدن هرگاه نوره بجهة احرام عمره کشیده
باشد و فاصله ما بین آن و بین احرام حج اول از پانزده
روز بوده باشد اکتفا بهمان نوره سابق میتوان
نمود و نوره دیگر ضرور نیست ملخص مقال جمیع آداب
مذکوره در احرام عمره مستحب است در احرام حج

و تفاوتی ما بین او و احرام نیست مگر در چند چیز اول
در مکان احرام که احرام حج تمتع لازم است در مکه
معظمه بوده باشد در هر موضعی از مواضع مکه بوده
باشد لکن افضل این اماکن احرام در مسجد الحرام است
و افضل از این تحت میزاب یا مقام حضرت ابراهیم ع
دوم نیت است که در آنجا نیت احرام عمره میکرد
و در اینجا نیت احرام حج تمتع یعنی اول نیت میکند
که حج تمتع بعمل می آورم لوجوبه قربة الی الله بعد از این نیت
احرام که اول اجزای حج است میکند باین نحو که
احرام حج تمتع بعمل می آورم لوجوبه قربة الی الله پس
در مسجد الحرام یا موضع دیگر از مکه شش رکعت

احرام

احرام بعمل می آورد قبل از احرام یا دو رکعت
بنحوی که سابق بیان شد بعد از آن سوال نماید از خداوند
عالم تسهیل امر را برو و بگوید اللّهمّ انّی اُرِیدُ
الحجَّ فَیَسِّرهُ لی وَ حُلَّنی حیثُ حَبَستَنی
بِقَدَرِکَ الّذی قَدَّرتَ عَلَیَّ اَحرَمَ لکَ
شَعری و بَشَری وَ لَحمی وَ دَمی مِنَ النِّساءِ
وَ الطِّیبِ وَ الثِّیابِ اُرِیدُ بِذالِکَ وَ
جهکَ وَ الدّارَ الآخِرَةَ وَ حُلَّنی حَیثُ
حَبَستَنی بِقَدَرِکَ الّذی قَدَّرتَ عَلَیَّ
آن وقت شروع میکند تلبیه بنحوی که در سابق
مذکور شد و مستحب این است در این مقام علاوه

نماید بر آن چه سابق مذکور شد این کلام را بگوید
لَبَّیکَ بِحَجَّةٍ تَمامُها وَبَلاغُها عَلَیکَ

سیوم در وقت احرام است مستحب این است احرام
حج را در یوم ترویه که هشتم ماه ذی الحجه است در
وقت زوال بعمل آورد و سنت است که بعد از آن
برود بمنی و شب را در منی بماند که و سنت است
که در وقتی که متوجه میشود که در منی برود این دعا را
بخواند اَللّهُمَّ اِیّاکَ اَرجُو وَاِیّاکَ اَدعُو
فَبَلِّغنی اَمَلی وَاَصلِح لی عَمَلی در وقتیکه
وارد منی شد سنت است که این دعا را بخواند
اَللّهُمَّ هذِهِ مِنیٰ وَهِیَ مِمّا مَنَنتَ بِها

عَلَینا مِنَ المَناسِکِ فَاَسئَلُکَ اَن تَمُنَّ
عَلَینا بِما مَنَنتَ بِهِ عَلیٰ اَنبِیائِکَ فَاِنَّما اَنَا
عَبدُکَ وَفی قَبضَتِکَ و در روز نهم که
روز عرفه است از منی برود بعرفات و اولی
این است که قبل از طلوع شمس از وادی محسر
که آخر حد منی است بجانب عرفات تجاوز نماید و تکرار
تلبیه مستحب است با زوال روز عرفه بعد از زوال
قطع تلبیه نماید و در حدیث صحیح وارد شده که
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز عرفه
بعد از زوال شمس قطع تلبیه میفرمودند و بعد از قطع
تلبیه سنت است تهلیل و تسبیح و تحمید و تمجید و ثنا بر

خداوند عالم جلّ جلاله مبحث دوم در وقوف به عرفات است
و در آن چند مبحث است اوّل در بیان امور مستحبه است
و در آن چند امر است اوّل سنّت است در وقت رفتن
بجانب عرفات این دعا را بخواند اللّهمّ ایّاکَ
حَمَدْتُ وَاِیّاکَ اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَکَ اَرَدْتُ
فَاَسْئَلُکَ اَنْ تُبارِکَ لِیْ فِیْ رِحْلَتِیْ وَاَنْ
تَقْضِیَ لِیْ حاجَتِیْ وَاَنْ تَجْعَلَنِیْ مِمَّنْ تُناجِیْ
بِهِ مَنْ هُوَ اَفْضَلُ مِنّیْ دوم غسل مستحب است بعد
از زوال شمس در روز عرفه و نیت میکند که غسل
روز عرفه میکنم سنّت قربة الی الله سوم سنّت است
که جمع کند میان ظهر و عصر باذان و اقامه اگرچه در حق

مقیم بوده باشد و ترک نافله ظهرین نماید بعد از
فراغ ادای فریضتین مشغول ذکر و دعا و استغفار
شود و در حدیث صحیح وارد شده که مشغول بحمد
خداوند عالم و تهلیل و تمجید و ثنا الهی شود و یکصد
مرتبه بگوید الله اکبر و یک مرتبه سوره قل هو الله احد را
بخواند و بسیار مبالغه نماید در دعا و سؤال و هر
حاجت که خواهد از خداوند عالم طلب نماید و پناه
ببرد بخداوند عالم از شر شیطان پس بدرستیکه
غافل نمی کند او را شیطان در هیچ موضعی مثل غافل کردانیدن
در آن موضع و اجتناب کن از نظر کردن بناس
و از جمله ادعیه که در آن وقت مستحب است که

که خوانده شود این دعاست اللهم رب المشاعر
كلها فك رقبتي من النار واوسع علي
من الرزق الحلال وادرا عني شر
فسقة العرب والعجم فسقة الجن والانس
وشر فسقة العرب والعجم اللهم لا تمكر
بي ولا تملوني ولا تخدع بي ولا تستدرجني
يا اسمع السامعين ويا ابصر الناظرين
ويا اسرع الحاسبين ويا ارحم الراحمين
اسئلك ان تصلي علي محمد وال محمد وان
تفعل بي كذا وكذا و بجای کذا وکذا ذکر حاجات
خود نماید و بعد از آن دستها بسوی آسمان بلند

نماید

نماید و بگوید با تضرع و ابتهال اللهم حاجتي التي
ان اعطيتها لم يضرني ما منعتني وان
منعتها لم ينفعني ما اعطيتني اسئلك خلاص
رقبتي من النار اللهم اني عبدك وملك
يدك وناصيتي بيدك واجلي بعلمك
اسئلك ان توفقني لما يرضيك عني
وان تسلم مني مناسكي التي اريتها
ابراهيم خليلك صلى الله عليه وآله ودللت
عليها حبيبك محمدا صلى الله عليه وآله و
از آن جمله دعاهائی که در آن وقت مناسب است
اینست اللهم اجعلني ممن رضيت عمله واطلت

عُمرُهُ وَاَحیَیتَهُ بَعدَ المَوتِ حَیوةً طَیِّبَةً و بهترین
دعاها در دعای صحیفهٔ کامله است که معنون بدعای یوم
العرفه میباشد **چهارم** مستحب است دعا در حق برادران
و مبالغه در آن در کافی بسند صحیح نقل شده از ابراهیم
ابن هاشم که او گفت که من دیدم عبد الله ابن جندب را
در عرفات و هیچکس را مثل او ندیدم در دعا و دست
بسوی آسمان بالا برد و اشک از دیدهای او جاری
بود بحدیکه اشک چشم او بر زمین میرسید چونکه مردم
متفرق شدند گفتم با او که ندیدم هیچکس را در عرفات
بحالتی که از تو مشاهده نمودم و او در جواب او
گفت این حالتیکه مشاهده کردی دعا نکردم مگر در حق

برادران

برادران دینی بعلت آنکه از مولا و سرور خودم
جناب موسی ابن جعفر علیهما السلام شنیدم که فرمود که
هر کس دعا نماید در حق برادران دینی خود ندا میرسد
باو از عرش که از برای تست صد هزار ضعف و مثل
آن پس خوش نداشتم آنکه بگذارم صد هزار ضعف
که اجابت اینها مضمون و مشخص است و اختیار نمایم یک
دعای خود را در حق خود که نمیدانم مستجاب خواهد بود
یا نه **پنجم** واجبست ماندن در عرفات از زوال روز
عرفه تا غروب پس نیت کند که من می مانم از زوال
امروز تا غروب شمس لوجوبه قربةً الی الله تعالی و قصد
نماید اینکه وقوف از اجزای حج است چنانچه در

ضمن افعال حج مذکور شد پس واجبست توقف نمودن
در عرفات از زوال روز عرفه تا غروب بعد از تحقق
غروب از عرفات کوچ مینماید و میرود بمشعر الحرام و نماز
مغرب و عشا را سنت است در مشعر الحرام بعمل آورد بلکه
با امکان احتیاط این است که صلاتین را در غیر مشعر
بعمل نیاورد و نماز نافله مغرب را بعد از صلوة عشا
قضا نماید و شب را در آنجا بیتوته می نماید و وقوف در
مشعر که از جمله اعظم اجزای حج است عبارتست
از توقف در مشعر الحرام از طلوع فجر یوم اضحی که
دهم ذی الحجه تا طلوع شمس بدانکه آنچه مذکور شد
از زمان وقوف در عرفات و وقوف در مشعر

زمان زمان وقوف است در حق مختار یعنی در حق مختار
جایز نیست ترک وقوف درین زمان و اما زمان وقوف
در حق مضطر در عرفات پس از غروب شمس است در
شب دهم ذی الحجه تا طلوع فجر و در مشعر از طلوع شمس است
در روز اضحی تا زوال پس وقوف اختیاری عرفات
از زوال روز عرفه است تا غروب شمس و وقوف
اضطراری از غروب شمس است در شب اضحی تا طلوع
فجر و وقوف اختیاری مشعر از طلوع فجر روز اضحی است
تا طلوع شمس و وقوف اضطراری از طلوع شمس است
تا زوال بعد از آنکه دانستی که هر یک از وقوفین منقسم
باختیاری و اضطراری میگوییم درین مقام هشت قسم

متصور می شود اول آنست که مکلف درک اختیاری در
هر یک از عرفات مشعر نماید و این قسم احسن و اکمل است
در شبهه و صحة و کمال حج در این وقت نخواهد بود
دویم آنست که درک نماید اضطراری هر دو را و این محل
خلافست لکن ظاهر آنست که حج را درک نموده باشد
و حج صحیح بوده باشد سیوم آنست که درک نماید اختیاری
و اضطراری مشعر را چهارم عکس آنست یعنی درک نماید
اختیاری مشعر را و اضطراری عرفات را و ظاهر آنست
درین دو قسم نیز درک حج نموده باشد و صحت حج
در اضطراری مستلزم صحت حج است درین دو قسم بطریق
اولی پنجم آنست که درک اختیاری مشعر الحرام نماید فقط یعنی

درک

درک عرفات نماید نه اختیاری از او و نه اضطراری را
این قسم نیز حج مبارک خواهد بود و دور نیست صحت حج درین
قسم مثل قسم ثالث و رابع محل اشکال نبوده باشد
ششم آنست درک نماید اختیاری عرفات را به تنهائی
یعنی درک مشعر نماید نه اختیاری و نه اضطراری از آن
جماعتی از فقها از جمله علامه رفع الله تعالی قدره هم حکم
فرموده اند که حج صحیح نیست و نسبت باکثر فقها داده اند
که حج صحیح است بلکه شهید ثانی درین نفی خلاف فرموده
مختار نزد حقیر قول ثانی پس حج را در اینصورت
صحیح خواهد بود لکن احتیاط در اینصورت قسم
دویم آنست که در سال دیگر اعاده حج نماید هفتم

آنست که درک ننماید مگر اضطراری مشعر را در اینصورت
اگر چه جماعتی از متقدمین و متأخرین حکم فرموده اند
که حج صحیح است لکن مختار اینست که درک حج ننموده بلکه لازم است
که در سال دیگر اتیان بحج نماید هشتم آنست که درک ننماید
مگر اضطراری عرفات را در اینصورت نیز حج صحیح خواهد بود
بلکه اشکالی در عدم صحت حج نیست و مراد از زمان وقوف
در حق مختار آنست که مختار عامدا ترک وقوف درین
مدت نمی تواند نمود لکن رکن وقوف در همه این زمان نیست
لکن مسمی وقوفست پس هرگاه کسی متعمدا ترک وقوف نماید
در بعضی از اجزای این زمان و درک نماید در بعضی دیگر
اگر چه آثم و گناه کار خواهد بود لکن درک رکن نموده خواهد بود

پس حج او صحیح خواهد بود بدانکه مراد از وقوف در
عرفات و مشعر کون در آن دو مکان شریفست
خواه در ضمن قیام بوده باشد یا در ضمن قعود بلکه
اگر نیت نماید و بخوابد باز درک حج نموده خواهد بود
و در حدیث صحیح منقولست از امام جعفر صادق ع
که آنحضرت فرمودند که جناب رسول خدا صلی الله علیه
و آله در عرفات در وقتی که شمس میل بغروب
نمود این دعا را خواندند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ مِنَ
الْفَقْرِ وَمِنْ تَشَتُّتِ الْاَمْرِ وَمِنْ شَرِّ ما
یَحْدُثُ اللَّیْلَ وَالنَّهارَ وَاَمْسیٰ ظُلْمی مُسْتَجیراً
بِعَفْوِکَ وَاَمْسیٰ خَوْفی مُسْتَجیراً بِاَمانِکَ

وَآمسي مستجيراً ذُلّي بعزّك وَآمسي وجهي
الفاني مستجيراً بوجهك الباقي يا خير
من سُئل ويا اجود من اعطى جلّلني
برحمتك وألبسني عافيتك واصرف
عنّي شرّ جميع خلقك مجملاً اشتغال بدعا و مناجات
در آن روز مطلوب است و هر دعا و مناجات که خواهد
خصوصاً مناجات های وارده شده که است از سید
ساجدین علیه السلام و دعاهای توبه صحیفه کامله در آن
روز مناسب است بعد از غروب وجبت از عرفات
کوچ نموده روانه مشعر الحرام شود با آرام ظاهری
و باطنی یعنی تند نرود بلکه حد اوسط را اختیار نماید

باخضوع بوده باشد و در وقت کوچ نمودن استغفار
نماید و وقتی که رسید بکثیب الاحمر یعنی پشته ریگ که
در جانب است راه واقع است سنت است که این دعا را
بخواند اللهم ارحم موقفي وزد في عملي وسلّم
ديني وتقبّل مناسكي اللهم لا تجعله آخر
العهد من هذا الموقف وارزقنيه ابداً
ما ابقيتني بعد از وصول بمشعر تعجیل در ادای نماز
مغرب و عشا نماید و شبهه در رجحان نیت در مشعر روز
شب عید نیست لکن اختلاف کرده اند که آیا نیت در مشعر
در آن واجب است اولی این است که نیت وقوف
در آن شب در مشعر نماید قربة الی الله ثم دیگر متعرض

وجوب بر استحباب نشود و احیای آن شب بعبادات و
مناجات با قاضی الحاجات بنهایت فضیلت دارد
وارد شده است که کسی احیای آن شب نماید نمیرد قلب
او در آن روزی که میمیرد در آن روز قلوب و در حدیث
صحیح وارد شده است که اگر توانسته باشی آن شب را
احیا نمائی بکن بدرستیکه درهای آسمان درین شب بسته
نمیشود در آن شب خطاب میرسد از جانب پروردگار
بشود عباد که منم پروردگار شما آئید بنده کان من بسوی
ادا نمودید حق مرا و سزاوار است بر من اینکه حاجات
و دعاهای شما را بشرف اجابت مشرف کردانم بعد
از آنکه فجر طالع شد و قربة الی الله بعمل آورد و نیت
وقوف

وقوف می نماید شبهه در وجوب این وقوف نیست
و نیت میکند که من وقوف مینمایم در مشعر بجهة ادا نمودن
وقوفی که معتبر است در حج تمتع مثلا قربة الی الله آنوقت
مستحب است مشغول حمد و ثنای الهی بشود و نعمتهای الهی را
بخاطر بیاورد و شکر نماید و صلوة بر محمد و آل محمد بسیار
بفرستد و مستحب است که بگوید اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ
فُكَّ رَقَبَتِيْ مِنَ النَّارِ وَاَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ
الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّيْ شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْاِ
نْسِ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوْبٍ اِلَيْهِ وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ
وَخَيْرُ مَسْئُوْلٍ وَلِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ
جَائِزَتِيْ فِيْ مَوَاطِنِيْ اِلَيْهِ هٰذَا اَنْ تُقِيْلَ

عَثْرَتِی وَتَقَبَّلَ مَعْذِرَتِی وَاَنْ تَجَاوَزَ عَنْ
خَطِیْئَتِی ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوٰی مِنَ الدُّنْیَا زَادِی
و سنت است که کوچ نماید از مشعر قلیلی قبل از طلوع شمس
تا آنکه میرسد بوادی محسر طلوع شمس شده باشد و در حدیث
بسیار معتبر از حضرت موسی ابن جعفر علیهما السلام سؤال شده
چه ساعت محبوب تر است بسوی شما که کوچ شود از مشعر حضرت
در جواب فرمودند که قبل از طلوع شمس بقلیلی محبوب ترین
ساعت است بجهه کوچ نمودن اما هر گاه کسی بماند تا طلوع
شمس باکی نیست و بعضی تفصیل داده اند در حق غیر امام
و راجح این است که قبل از طلوع شمس کوچ نماید و در حق
امام بعد از طلوع شمس مجملا از مشعر الحرام کوچ مینماید بجا
منی

منی اول میرسد بوادی محسر مستحب این است که در وادی
محسر سرعت نماید در سیر چنانچه در سعی بین الصفا و مروه
مذکور شد و در حدیث صحیح وارد شده است وقتی که
مرور نمائی بوادی محسر مستحب این است و آن وادی
عظیم است مابین مشعر و منی و بمنی نزدیکتر است سعی نمائی
در آن یعنی بسرعت برو تا آنکه از آن بگذری بدرستیکه
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله حرکت دادند شتر
خود را در آن موضع ظاهرا مراد است که شتر را بسرعت
راه بردند و این دعا را در حالت مرور بوادی محسر
سنت است اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ لِی عَهْدِی وَاقْبَلْ
تَوْبَتِی وَاَجِبْ دَعْوَتِی وَاخْلُفْنِی فِیْمَنْ

تو گفت بعد هی و از حدیث ظاهر شود که امتداد وادی
محشر بقدر یک صد گام است چنانچه در حدیث دیگر ظاهر
میشود که امتداد آن صد ذرع است و هر دو بالمآل راجع است
بیک چیز نظر بانکه مقدار ذرع و گام غالبا مساوی است
و در اخبار مبالغه بسیار شده در رعایت سرعة سیر
که عبارت از هروله بوده باشد و در وادی محشر چنانچه
در حدیث وارد شده که مردی مرور کرده بوادی محشر
یعنی تجاوز کرده بود از آن و هروله ننموده بود جناب
امام جعفر صادق علیه السلام امر فرمودند که آن شخص را
که برگردد بمکه تا سعی و هروله نماید در آن وادی و ظاهر
این است که استحباب هروله در محشر اختصاص داده باشد

در

بوقت رفتن از مشعر بسوی منی و اما در وقت رفتن
از منی بعرفات در روز ظلم ظاهر این است که استحباب
محشر ثابت نباشد بلکه قصد مشروعیة بدعت خواهد بود
و صاحب مدارک درین دعوای اجماع الکل نموده است
بحث سیوم در اعمال منی است بدانکه واجب است در روز
دهم که روز عید است سه چیز در منی اول رمی جمره است
دویم نحر است یا ذبح سیوم حلق است یا تقصیر بهمین ترتیب
که مذکور شد مراد بجمره درین مقام اقرب جمرات است
بلکه که مسمات است بجمره عقبه و واجب در این رمی چند چیز است
اول نیت است باین نحو که رمی این جمره که معتبر است
در حجة الاسلام حج تمتع مثلا میکنم واجب قربة الی الله تعالی

دویم بیاید هفت عدد سنگ ریزه بوده باشد سیوم
لازم است بنحوی بوده باشد که حقیقة رمی در حق آن
صادق بود پس گذاردن سنگ ریزه بر جمره مجزی
نخواهد بود چهارم واجب است که این شخص مستقل بوده باشد
و در رسانیدن سنگها بجمره پس هرگاه بمعاونت دیگری
بوده باشد مجزی نخواهد بود پنجم لازم است که این سنگ
ریزه ها را از حرم برچیده باشد پس هرگاه از غیر حرم
برداشته باشد مجزی نخواهد بود ششم لازم است که سنگها را
از مسجد الحرام یا خیف بلکه از مسجد دیگر نبوده باشد هفتم
لازم است که همه آن سنگها بکر بوده باشد یعنی سابق
برین کسی با آنها رمی نکرده باشد هشتم لازم است
کدام

که رمی بر هفت سنگ ریزه بطریق تعاقب بوده باشد
پس هرگاه دفعه واحده مثلا رمی نماید مجزی نخواهد بود
نهم وقت رمی بعد از طلوع شمس است تا غروب شمس
در هر جزوی از اجزای این مدت که رمی نماید مجزیست
و مستحبات آن نیز چند چیز است اول آن است الحرام اخذ
نموده باشد هفت عدد را در روز عید رمی جمره
مذکوره نماید و بیست و یک عدد در روز یازدهم رمی جمرات
ثلث و بیست و یک عدد در روز دوازدهم و بیست و یک
عدد در روز سیزدهم چنانچه بعد مطلع خواهی شد
دویم آن است که در حال رمی نمودن دور بوده باشد
از جمره بقدر ده زرع تا پانزده زرع چهارم آن است

که در حال رمی با طهارت بوده باشد و قول بوجوب
خلاف است چهارم خواندن این دعا است در وقت ضعیف است
اراده رمی وقتی که سنگها در دست است بگوید اللهم
هؤلاء حصاتی فاحصهن لی وارفعهن
فی عملی پنجم مستحب است با هر سنگی که می اندازد تکبیر بگوید
اللهم ادحر عنی الشیطان اللهم تصدیقا
بکتابک وعلی سنة نبیک صلی الله علیه
وآله اللهم اجعله حجا مبرورا وعملا مقبولا
وسعیا مشکورا وذنبا مغفورا ششم
مستحب است بعد از مراجعت از رمی بعد از آنکه بمنزل
خود آمده باشد این دعا را بخواند اللهم بک وثقت وعلیک

توکلت

توکلت فنعم الرب ونعم المولی ونعم النصیر
هفتم سنت است در حین رمی سنگها را در دست چپ
بگیرد و یکی یک را از دست راست بر داشته و بگذارد
بر شکم انگشت ابهام دست راست و بیندازد آنرا
بمعونت ناخن سبابه و جماعتی از فقها رمی باین نحو را
واجب دانسته اند بنا بر این احتیاط مقتضی رعایت
این است هشتم آن است که هر یک ازین سنگ ریزها
بقدر سر انگشت بوده باشد نهم آن است که در
حین رمی درین مقام یعنی رمی جمره عقبه رو را
بجانب جمره نماید و پشت بقبله نماید دهم آن است
که سنگها رخوه باشد یعنی صلابت نداشته باشد

یازدهم اگرچه وقت ممتد است از طلوع شمس سرعت نماید
در رمی جمره یازدهم آن است که سنگها طاهر بوده باشد و
بعضی علما طهارت آنها را لازم دانسته اند پس احتیاط
در رعایت طهارت است و امّا احکام ذبح پس
تحقیق حال در آن محتاج بنقل کلام در چند بحث است
مبحث اوّل در جنس آن است واجب است آنچه میکشد شتر بوده
یا گاو یا گوسفند و یا بز اگر شتر بوده باشد لازم است
نحر نماید و اگر گاو یا گوسفند یا بز بوده باشد ذبح
نماید دوم در سن آنها است اگر شتر بوده باشد لازم است
پنج سال را تمام نموده باشد داخل در سال ششم شده باشد
و اگر گاو است مشهور آن است که معین است که یکسال را

تمام

تمام نموده باشد داخل در سال دویم بوده باشد
و همچنین است بز و بعضی از اعاظم علما در گاو و بز معتبر
دانسته اند تمام دو سال را و دخول در سال سیوم را
و این احوط است لکن اگر گوسفند بوده باشد کفایت
میکند آنچه از آن هفت ماه را تمام نموده داخل در ماه
هشتم شده باشد بعضی اکتفا نموده اند بدخول در ماه
هفتم لکن معتبر این است که تام الخلقه بوده باشد پس
هرگاه اعرج بوده باشد یا اعور بوده باشد یا شاخ
داخل آن شکسته باشد یا گوش او را قطع نموده باشند
مجزی نخواهد بود و امّا اگر شاخ خارج او شکسته باشد
و شاخ داخل آن صحیح بوده باشد نقصی ندارد

وهم چنین است هرگاه گوشش او را شق نموده باشند
یا سوراخ نموده باشند بی عیب است واما خصی پس
مشهور این است که مجزی نبوده باشد واین مختار است
مگر در صورتی که متمکن از غیر خصی نبوده باشد درینوقت
ظاهر این است که مجزی بوده باشد ومعتبر در هر یک
از اینها این است که چاق بوده باشد پس هرگاه
لاغر بوده باشد مجزی نخواهد بود ودر جمله احادیث
تحدید لاغر شده باینکه در کلوه آن پیه نداشته باشد
پس هرگاه در کلوه آن قلیلی پیه داشته باشد
ظاهر این است که مجزی بوده باشد وهرگاه خرید
باعتقاد اینکه چاق است بعد از آن مشخص شد

که لاغر است

که لاغر است پس اگر بعد از ذبح نمودن معلوم شد
که لاغر بوده ظاهر این است که مجزی نبوده باشد
واما هرگاه خرید باعتقاد انکه لاغر است بعد از انکه
ظاهر شد که چاق است پس اگر قبل از ذبح نمودن بوده
باشد با اشکال مجزی است واگر بعد از ذبح نمودن
بوده باشد بمقتضای حدیث صحیح این است که باز
مجزی بوده باشد وعمل باین متعین است نظر بصحة
مستند ومرجع در تشخیص چاقی ولاغری باختیار
اهل خبره است **بحث سیوم** واجب است که نیت کند باین نحو
که این نحر یا ذبح که معتبر است در حجة الاسلام حج تمتع
بعمل می آورم واجب قربة الی الله تعالی واین نیتا

خود میکند در صورتی که خود مباشر ذبح شود و هرگاه
مباشر ذبح دیگری شود احوط این است که خود و نایب
هر دو نیت کنند معلوم است نایب در نیت و فعل قصد
نیابت می نماید و واجب است این نحر یا ذبح را در منی
واقع سازد و وقت آن روز عید اضحی است تا آخر
درس و مقدم بر حلق بحث چهارم در مستحبات است شتر را
اختیار نماید بعد از آن گاو را چنانچه در حدیث
صحیح وارد است که فرمود که افضل شتر است و حد وسط
بقر و پستر آنها گوسفند است و در شتر و گاو سنت است
که ماده بوده باشد و در گوسفند و بز نر و افضل آنست
که چاق بوده باشد یعنی علاوه که از قدری که

مذکور

مذکور شد که واجب بود و در حین ذبح نمودن
سنت است که این دعا را بخواند وَجَّهْتُ وَجْهِيَ
لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا
مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَوٰتِي
وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ
الْمُسْلِمِينَ اللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ
أَكْبَرُ اللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي و در صورتی که مباشر
ذبح دیگری باشد اولی این است که خود دست بر روی
دست ذابح بگذارد و قوت نماید و سنت است آنکه را
که ذبح یا نحر مینماید در عرفات بوده باشد در عشای عرفه

اگرچه با خبار بایع بوده باشد و بعد از کشتن سنت
آن است که آنرا سه قسمت نماید یکقسم را بجهة خود قرار
دهد و یکقسم تصدق مینماید و قسم دیگر را بهدیه بجهة
مؤمنین بفرستد ظاهر این است اصل خوردن خود
شخص فی الجمله واجب باشد لکن استحباب ضبط ثلث
بجهة خود در وقتی که مطلق نبوده باشد بلکه مختص
باشد بصورتی که اهل و عیال با او باشد چنانچه
ایمائی دارد باین بعضی خبار خصوصا در صورتیکه
شتر یا گاو بوده باشد و قسمتی را که تصدق مینماید
مستحق آن سائل قانع و معتر است اما سائل فقیر است
که سوال بنماید و اما قانع آن کسی است که هر چه میدهی

بآن

بآن قناعت مینماید اصرار بلکه اظهار در علاوه بر آن نمی نماید
و معتر آن است که خود را بتو مینماید که باو داده باشی
لکن اظهار نمی نماید در وقتیکه فقیر معتبر در همه بوده باشد
و بعضی از علما قانع را بغیر سائل نموده بدانکه دادن گوشت
یا پوست ذبیحه را بشخص ذابح بازای اجرت جایز نیست
لکن اگر فقیر بوده باشد از سهم فقرا باو دادن ضرری
ندارد و اما حلق یا تقصیر پس بدان بعد از آنکه مکلف
فارغ شد از ذبح مخیر است مابین آنکه حلق نماید یعنی سر را
تراشد یا چیزی از ناخن یا مو از خود جدا کند و نیت
میکند در صورت سر تراشیدن که من سر میتراشم بجهة
آنکه این سر تراشیدن در حجة الاسلام حج تمتع بر من واجب است

قربة الی الله تعالی آنوقت شروع بسر تراشیدن مینماید
اگر تقصیر نماید بجای سر تراشیدن تقصیر را نیت نماید
لکن احوط آن است که اگر نو حاجی بوده باشد یا تدبیری
در موی سر نموده باشد بجهة رفع شپش یا چرک مثل آنکه
صمغ بمو چسبانیده باشد اختیار سر تراشیدن نماید و
عدول از سر تراشیدن بتقصیر نماید و اینکه مذکور شد
در حق مردان است و اما در حق زن در حج متعین تقصیر است
و درنیت که مسمی کفایت نماید لکن احوط آن است که لا
اقل بقدر سر انگشت مو از خود جدا کند بعضی بقدر قبضه را
معین دانسته اند اگر مراعات این نماید احوط خواهد بود
و سنت است موی سر را در منی دفن نماید در خیمه خود یا منزل خود

الف

وبعضی از علما جایز دانسته اند و احتیاط این است که ترک
دفن نماید و سنت است در وقت سر تراشیدن ابتدا
به پیش سر نماید و بگوید اَللّٰهُمَّ اَعطِنی بِکُلِّ شَعرَةٍ نُوراً
یَومَ اَلقِیمَةِ و سنت است که بعد از سر تراشیدن ناخنها
بگیرد و همچنین شارب بچینند بعد از آنکه حلق یا تقصیر نمود
جمیع محرمات در حال احرام بر آن شخص حلال میشود مگر
عطر و زنان لکن اولی آنست که لبس مخیط و ستر راس
ننماید مگر بعد از فراغ از طواف حج و سعی بین الصفا و
المروه بعد از آنکه فارغ شد در روز عید اضحی از
عبادات منی که آن عبارت از رمی جمرات عقبه
و ذبح یا نحر و حلق و یا تقصیر بوده باشد عود نماید بمکه

اولی آن است که تعجیل در عود در همان روز و اگر تأخیر نماید
تا فردای آن روز جایز خواهد بود و احوط این است که از
روز یازدهم تأخیر نماید بعد از عود بمکه بعد از آنکه
بدر مسجد الحرام که رسید سنت است بدر مسجد بایستد و
این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اَعِنّی عَلیٰ نُسُکِکَ وَسَلِّمنی
لَهُ وَسَلِّمهُ لی اَسْئَلُکَ مَسْئَلَةَ القَلیلِ الذَّلیلِ
الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ اَنْ تَغْفِرَ لی ذُنُوبی وَاَنْ
تُرْجِعَنی بِحاجَتی اَللّٰهُمَّ اِنّی عَبْدُکَ وَالْبَلَدُ
بَلَدُکَ وَالْبَیْتُ بَیْتُکَ جِئْتُ اَطْلُبُ رَحْمَتَکَ
وَاُؤَدّی طاعَتَکَ مُتَّبِعاً لِاَمْرِکَ راضِیاً
بِقَدَرِکَ اَسْئَلُکَ مَسْئَلَةَ الْمُضْطَرِّ اِلَیْکَ

المطیع

الْمُطیعِ لِاَمْرِکَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذابِکَ الْخائِفِ
لِعُقُوبَتِکَ وَاَنْ تُبَلِّغَنی عَفْوَکَ وَتُجیرَنی
مِنَ النّارِ بِرَحْمَتِکَ بعد از آن باید نزد حجر الاسود
و دست خود را بآن بمالد و حجر را ببوسد اگر بوسیدن
ممکن نباشد دست بآن بمالد و دست خود را ببوسد
و اگر این هم ممکن نباشد مواجه حجر الاسود بایستد
و تکبیر بگوید دعائی که در طواف عمره مذکور شد
بخواند آنوقت نیت طواف حج نماید باین نحو که من
طواف حجة الاسلام حج تمتع را بعمل می آورم واجب
قربة الی الله آنوقت شروع نماید بطواف بنحوی که مذکور
شد تا هفت شوط را تمام نماید و ادعیه که در طواف

عمره مذکور شد سنت است که اتیان نماید بهمان نحو که
در آنجا مذکور شد سعی نماید که در غایت خضوع و خشوع
بعمل آورد لا سیما در وقتی که میگوید الحرم حرمک
والبیت بیتک والعبد عبدک بعد از فراغ از هفت
شوط طواف میرود بمقام حضرت ابراهیم ع در آنجا دو رکعت
نماز طواف حج را بعمل آورد و نیت دو رکعت طواف
حج تمتع نماید بعد از فراغ از دو رکعت برود نزد
حجر الاسود و ببوسد حجر الاسود را اگر ممکن بوده باشد
و مقابل حجر الاسود بایستد و تکبیر بگوید و بعد از آن
برود بجانب صفا و مروه و سعی ما بین صفا و مروه را
بعد از نیت بعمل آورد بهمان نحو که در عمرهٔ تمتع مذکور شد

بعد از اتمام

بعد از اتمام هفت شوط سعی عطر نیز برین شخص حلال
میشود بعد از معاودت از صفا و مروه داخل مسجد
الحرام میشود و نیت طواف نسا را مینماید بعد از آن
شروع مینماید بطواف نسا بهمان نحو که مذکور شد
بعد از فراغ از هفت شوط طواف نسا میرود بمقام
حضرت ابراهیم ع نیت دو رکعت نماز طواف نسا را
بکند آنوقت دو رکعت نماز را بعمل آورد و این محلّل
ثالث است که زنان نیز برو حلال میشود پس در آن
وقت جمیع محرمات در حال احرام بر آن شخص حلال میشود
اما حرمت صید نه باعتبار حرمت آن است بسبب احرام
بلکه باعتبار کون در حرم است بعد از فراغ از طواف

نا و دو رکعت نماز آن عود مینماید بمنی بجهة بیتوته در آن
و رمی جمرات ثلثه و در شب یازدهم نیت میکند
که من امشب را درین مکان شریف که منی است میمانم
بجهة وجوب بودن بر من در حج تمتع قربة الی الله تعالی پس
شب را در آن میماند تا صبح بعد از ادای فریضهٔ فجر
واجبست در آن روز رمی جمرات ثلث نماید اول لازم است
شروع نماید بر رمی جمرهٔ اولی که اقرب جمرات است
بمشعر و بعد از آنها بمکه و واجب است که رمی نماید بهفت
عدد سنگ ریزه و کیفیت رمی همان نحو است که در رمی
روز نحر مذکور شد مگر در استقبال که در آنجا مستحب این است
که رو بقبله رمی جمره نماید بعد از فراغ رمی جمرهٔ

اولی که اقرب جمرات است بمشعر و بعد از آنها بمکه
و واجب است که رمی نماید بهفت عدد سنگ ریزه
و کیفیت رمی همان نحو است که در رمی روز نحر مذکور شد
مگر در استقبال که در آنجا مستحب این است که رو بقبله رمی
جمره نماید بعد از فراغ رمی جمره اولی رمی جمره وسطی
نماید بهمین نحو که مذکور شد بعد از فراغ از رمی این دو
جمره رمی جمرهٔ عقبه که اقرب جمرات است بمکه نماید
بهفت عدد سنگ ریزه و وقت این رمی از طلوع
فجر است تا غروب لکن اولی این است که از زوال تاخیر
نیندازد و در شب دوازدهم نیت در ماندن
منی نماید بهمان نحو که مذکور شد این نیت را قبل از غروب

قریب بغروب نماید و در روز دوازدهم نیز بنحوی
که مذکور شد رمی جمرات ثلث نماید و هرگاه درحال
احرام اجتناب از صید و زنان نموده باشد جایزاست
در دوازدهم بعد از زوال عود بمکه نماید بشرطیکه
کوچ نماید از منی بجانب مکه قبل از غروب و اما هرگاه
بماند تا غروب لازم است شب سیزدهم نیز بماند در منی
مثل کسیکه درحال احرام اجتناب از صید و زن نموده
باشد بنابرین لازم است شب سیزدهم را نیز بماند
و در روز سیزدهم نیز رمی جمرات ثلاث نماید بهمان
نحو که مذکور شد که درین وقت از اعمال حج فارغ
میشود و در روز سیزدهم اولی آن است که قبل

از زوال عود نماید بمکه و صلوة ظهرین را در مکه ادا نماید
و مستحب است که مادامیکه در منی هست مشغول بمناجات
با قاضی الحاجات و توبه و انابه با کمال تضرع و ابتهال
نماید و بسیار نماز در مسجد خیف که در منی است نماید و در
حدیث صحیح وارد است که هزار پیغمبر در آن مسجد نماز
فرموده اند اگر توانسته باشی که آن مسجد را مصلی خود
کنی چنین کن و وارد شده که هرکس در آن مسجد یک
صد رکعت نماز بعمل آورد معادل هفتاد سال عبادت
و هرکس در آن مسجد یکصد تسبیح بعمل آورد مثل اینکه یکصد
مرتبه سبحان الله بگوید در نامه عمل او ثبت میشود
و عتق یک رقبه و هرکس در آن مسجد لا اله الا الله بگوید

صد مرتبه معادل این است که بنده را از قتل نجات داده باشد
و کسیکه بگوید در آن مسجد یکصد مرتبه الحمد لله معادل خواهد
بود با خراج عراقین که انفاق شود در راه خداوند عالم
بدانکه این مسجد در عصر جناب رسول خدا مقداری بود
و حال بزرگتر نموده اند و از قراری که نقل شده آنچه
در زمان رسول خدا در مناره که در میان مسجد واقع است
که بهفت غرفه که بسمتین از جانب راست و چپ بوده
و از جمله مستحبات که نهایت اهتمام در اتیان آنها است
تکبیرات در ایام تشریق است عقب پانزده نماز است در منی
که در اول آن نمازها نماز ظهر روز دهم است و آخر
آنها نماز صبح روز سیزدهم که ده نماز در سایر شهرها

اول در عقب نماز ظهر روز عید اضحی و آخر آنها نماز
صبح روز دوازدهم است و در حدیث تفسیر شده
آیه شریفه وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ
که مراد بذکر معدود تکبیرات است باین نحو اللَّهُ أَكْبَرُ
اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ الْحَمْدُ
لِلَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا
هَدَانَا اللَّهُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ
بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ و در حدیث صحیح دیگر در کیفیت این
تکبیرات باین نحو وارد شده اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ
الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ

علی ما رزقنا من بهیمة الانعام و هر یک از این
دو طریق که اتیان نماید خوب است و هرگاه در روز
دوازدهم کوچ نماید از منی اقتصار نماید باتیان
تکبیرات عقیب عشر صلوات و چون جماعتی از اعاظم
فقها این تکبیرات را واجب دانسته اند رعایت احتیاط
مقتضی عدم اخلال بآنهاست و در سه حدیث صحیح عدد
تکبیر اول دو است ولکن جماعتی از اعاظم فقها سه
مرتبه ذکر فرموده اند در حین کتابت این اوراق
چونکه در کشتی بودیم قریب بقطیف کتب احادیث
درین وقت همه آنها موجود نبود استقصا ممکن نشد
لکن اتیان سه مرتبه هم از بابت مسامحه بی عیب است

قد فرغت من تکتبه فی سنه ۱۲۵۰
حرره علی شاه رکابی
ع ع ع

بسم الله الرحمن الرحیم

بدان ای طالب طریق سداد وفقنی الله و ایاکم
فوز المعاد امور مستحبه چند چیز است که مراعات اینها
موجب فلاح و رستگاری آخرت است و غفلت از اینها
موجب حرمان از فضایل بسیار است اول مشرف شدن
بموضع تولد جناب رسول ص نقل شده که تولد آنجناب
در خانه شده که آن خانه حسب الارث منتقل بآن سرور
شده بود و آن سرور آنرا بخشید بعقیل ابن
ابیطالب و آن در تصرف عقیل بود بعد از نبوت او منتقل
شد باولاد او و ایشان فروختند همان خانه را بمحمد
ابن یوسف که برادر حجاج ابن یوسف و محمد آنرا داخل

قصر خود نمود و چنین بود تا دولت بنی امیه منقرض شد بعد
از آنکه مادر هارون الرشید بمکه آمد آن خانه را در قصر بیرون
کرد و در آن مسجدی ساخت مجملا حال آن مبارک در مسجدی
میباشد تحتانی یعنی گودست و چند ارچین دارد از آن
ارچینها داخل مسجد میشود و محجری از چوب بشکل مخروطی
ساخته اند و در آنجا نصب نموده که محیط است بموضع تولد
آن سرور و دری بجهة آن محجر قرار داده اند مناسب
آن است که در را باز نموده بقصد تیمن و تبرک رو را
بآن موضع شریف بمالند و بقصد تعظیم آن موضع مبارک را
ببوسند و زیارت آن سرور در آن مکان مناسب است
بدانکه علمای مسلمین در وقت تولد آن جناب اختلاف

کرده

کرده اند و مشهور میان اهل مکه و مدینه آن است که تولد
آن جناب در دوازدهم شهر ربیع الاول است و از علما
شیعه ثقة الاسلام در اصول کافی این قول را اختیار
نموده اند و شیخ طوسی در تهذیب و علامه در تحریر
و شیخ شهید در دروس فرموده اند که ولادت
آن سرور در روز هفدهم ماه ربیع الاول واقع شده
و این روایت مشهور است دوم مشرف شدن بخانه
خدیجه زوجه آن حضرت است مادر فاطمه زهرا صلوة
الله علیها و آن خانه در همان سمت که موضع تولد
جناب رسول خدا است واقع است و این نزدیکتر است
ببازار مکه و در آن محرابی هست که میگویند موضع عبادت

جناب رسول خدا بوده باشد پس شرافت آن مکان
شریف بسیار است در مناجات با قاضی الحاجات
در آن مکان شریف بسیار مناسب است و موضعی دیگر
هست که بعضی میگفتند تولد حسین است و این غلط
محض است چه ولادت با سعادت آن دو قدوهٔ
ارباب سعادت در مدینهٔ طیبه بوده اما ولادت
جناب امام حسن ع در سال دویم از هجرت بوده چنانچه
ثقة الاسلام ذکر فرموده یا در سال سیوم از هجرت
چنانچه شیخ مفید ذکر فرموده و درست که صحیح این
بوده باشد نظر بملاحظهٔ تاریخ تولد آن معصومه و تاریخ
تولد جناب امام حسن ع و اما ولادت امام و ولادت

جناب

جناب امام حسین ع در سال سیوم هجرت بوده بنابر اول
و سال چهارم بنابر ثانی شاید آن موضع موضع تولد
شریف جناب سیدة النسا علیها السلام بوده باشد
تولد آن معصومه در سال پنجم از بعثت فخر عالم بوده
در مکه معظمه و موضع دیگر هست که میگفتند موضع عبادت
جناب امیر المؤمنین ع است مجملا شرافت آن بجهات
بسیار واضح است و حرمان از سعادت مشرف شدن
در آن بسیار حیف است در همان مکان در فوق آن
مسجدی ساخته اند در آن مسجد مشرف شدن و نماز
تحیة گذاردن مناسب است سیوم مشرف شدن
بزیارت قبر ابی طالب عم جناب رسول خدا و والد

جناب امیر المؤمنین علیه السلام و آن در مقبره واقع است
که چند قبر در آن هست و در سمت و جانب مناسب
و فاتحه خواندن در سر قبر آنجناب مناسب است و از
اخبار ظاهر میشود که آن جناب خدمت بسیار جناب رسول خدا
کرده باخلاص تمام حتی انکه وارد شده بعد از فوت
ابو طالب جناب رسول خدا بسیار محزون شد و شکایت
حزن و هم خود را بحضرت جبرئیل اظهار نموده وحی
از جانب خداوند جل شانه رسید که بیرون از قریه
که اهل آن ظالمند و ناصری و معینی بجهة تو بعد از فوت
ابی طالب دران بلد نمیباشد و در حدیث صحیح
از کاشف اسرار دقایق حضرت جعفر صادق علیه السلام

وارد است

وارد است که مثل ابو طالب مثل اصحاب کهف است
که در باطن ایمان آورده بودند و اظهار شرک می نمودند
تقیة مجملا بر زیارت آن جناب مشرف شدن و
فاتحه خواندن بر سر قبر آن جناب بسیار مناسب است
چهارم زیارت قبر حضرت خدیجه زوجهٔ جناب رسول
خدا امادر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و قبر آن مرحومه
در دامنه کوهی واقع است و او بقعه دارد و قبر در
حجریست در همان بقعه در همان سمتی که قبر جناب
ابی طالب در آن سمت واقع است لکن قبر جناب
خدیجه دورتر است از مکه معظمه و جناب رسول خدا
احترام او را منظور میداشته حتی انکه نقل کرده اند

که آنجناب تا خدیجه در حیات بود تزویج دیگر نفرموده اند
وبعضی نقل کرده اند که موت حضرت خدیجه قبل از وفات
جناب ابیطالب بود بسه روز پنجم مشرف شدن بغار است
که در کوه حرا واقع است و آن موضعی است که جناب
رسول خدا صلی الله علیه و آله در اوایل نزول وحی
در آنجا مشغول بعبادت بودند مناسب این است
که در آن مکان شریف مشغول بمناجات با قاضی
الحاجات شوند ششم آنست که مشرف شود بغاری
که در کوه ثور واقع است و آن غاری است که جناب
رسول خدا در آن مخفی شد از ترس مشرکین هفتم
مشرف شدن بمسجد ارقم است و خانه که این مسجد

در آن واقع است مشهور است بدار خیزر و مخفی نماند
که از جمله مستحبات موکده ختم قرآن نمودن است
در مکه در حدیث وارد است که کسیکه ختم قرآن در مکه
نماید نمیرد تا آنکه ببیند جناب رسول و ببیند منزل
خود را در بهشت پس مناسب این است که بنشیند
نزدیک بخانه کعبه ما بین رکن یمانی و حجر الاسود زیرا که
هفتاد پیغمبر در حدیث است که در آنجا مدفونند و در
مسجد مشغول تلاوت قرآن شود یا در ما بین حجر الاسود
و مقام حضرت ابراهیم یا در حجر حضرت اسمعیل یا در
قرب مستجار و هر یک از این مواضع را که اختیار کند خوبست
و اگر جمع ما بین همه نماید شاید اکمل بوده باشد

و همچنین ثواب ذکر نمودن و عبادت در آن مکان
شریف نمودن از حد و نهایت افزون از جناب
علی ابن الحسین وارد است که هر یک تسبیح در مکه افضل
از خراج عراقین که انفاق شود در رضای جناب باری
عز اسمه و از جمله مستحبات تاکیده وداع خانه کعبه است
که اشرف امکنه عالم است و مشخص است که بنده فقیر
هر گاه در مدت عمر یکمرتبه با آن مکان شریف مشرف
شود حرمان و مفارقت از آن مکان شریف مایه
موجب کمال حزن و اندوه او شود پس با غایت حزن
و ملال و تضرع و ابتهال وداع نماید چنانچه در حدیث
صحیح از جناب صادق آل محمد وارد شده که در وقتی که

میخواهی از مکه معظمه بیرون روی پس وداع کن خانه را
و هفت شوط طواف کن با امکان و دست بر حجر الاسود
و رکن یمانی بمال و در هر شوط بعد از فراغ از طواف
برو نزد مستجار و هر دعا که خواسته باشی بکن و
حوایج خود را بخواه بعد از آن برو نزد حجر الاسود
و دست بر حجر بمال و یکدست خود را بر حجر بگذار
و دست دیگر را بسمت در خانه کعبه بر دیوار خانه
بگذارد و شکم خود را بخانه بچسبان و حمد و ثنای
خداوند عالم را بسیار بگوی و صلوة بر فخر کاینات
و آل اطهار آن سرور بفرست بعد از آن این دعا را بخوان
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ

وَنَبِيِّكَ وَاَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ وَخِيَرَتِكَ
مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ بَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَجَاهَدَ
فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِاَمْرِكَ وَاُوذِيَ فِيكَ
وَفِي جَنْبِكَ وَعَبَدَكَ حَتّٰى اَتَاهُ الْيَقِينُ
اَللّٰهُمَّ اَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي بِاَفْضَلِ
مَا يَنْقَلِبُ يَرْجِعُ بِهِ اَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ
الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَ
الْعَافِيَةِ مِمَّا يَسَعُنِي اَنْ اَطْلُبَ اَنْ يُعْطِيَنِي
مِثْلَ الَّذِي اَعْطَيْتَهُ اَوْ فَضْلٌ مِنْ عِنْدِكَ
تَزِيدُنِي عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ اِنْ اَمَتَّنِي فَاغْفِرْ لِي
وَاِنْ اَحْيَيْتَنِي فَارْزُقْنِي مِنْ قَابِلٍ اَللّٰهُمَّ

لَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي
عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ
حَمَلْتَنِي عَلٰى دَوَابِّكَ وَسَيَّرْتَنِي فِي بِلَادِكَ
حَتّٰى اَقْدَمْتَنِي حَرَمَكَ وَاَمْنَكَ وَقَدْ كَانَ
لِي حُسْنُ ظَنِّي بِكَ اَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي
فَاِنْ كُنْتَ غَفَرْتَ لِي ذُنُوبِي فَازْدَدْ عَنِّي
رِضًا وَقَرِّبْنِي اِلَيْكَ زُلْفٰى وَلَا تُبَاعِدْنِي
فَاِنْ كُنْتَ لَمْ تَغْفِرْ لِي فَمِنَ الْاٰنِ فَاغْفِرْ لِي
قَبْلَ اَنْ تَنَائَى عَنْ بَيْتِكَ دَارِي فَهٰذَا
اَوَانُ انْصِرَافِي اِنْ كُنْتَ قَدْ اَذِنْتَ لِي
غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ وَلَا عَنْ بَيْتِكَ وَلَا

امام محمد تقی است سوال نمودند که ابتدا کنیم بمکه یا مدینه
فرمودند ابتدا کن بمکه و ختم کن که آن افضل است و اگر
غسل سنت است بجهة دخول در مدینه خواه متصل بدخول
بوده باشد یا قبل از آن و همچنین غسل سنت است بجهة در
مسجد نبی در زیارت آن سرور و اگر در حین غسل
اول نیت بهر سه غسل را نماید ان شاء الله تعالی مجزی خواهد
بود و بعضی از اعاظم علما فرموده اند که داخل مسجد
جناب رسول خدا ام از در حضرت جبرئیل و آن دری است
که از جانب بقیع مفتوح میشود بخدمت جناب امام رضا ع
عرض کردند از کیفیت زیارت جناب رسول خدا نزد
قبر مقدس آنحضرت فرمودند که بگو السلام علی

رسول

رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبيبَ اللهِ
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفْوَةَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
يا اَمينَ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ رَسُولُ اللهِ وَ
اَشْهَدُ اَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ وَاَشْهَدُ
اَنَّكَ رَسُولُ اللهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ
عَبْدِ اللهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ
وَجاهَدْتَ فى سَبيلِ اللهِ وَعَبَدْتَهُ
مُخْلِصاً حَتّى اَتاكَ الْيَقينُ فَجَزاكَ اللهُ
يا رَسُولَ اللهِ اَفْضَلَ ما جَزا نَبِيّاً عَنْ
اُمَّتِهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ
ما صَلَّيْتَ عَلى اِبْراهيمَ وَآلِ اِبْراهيمَ

اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ و سنت است رو بقبله نموده و
منکب ایسر را جانب قبر مقدس جناب رسول خدا
و منکب ایمن را جانب منبر آن سرور نموده و بگوید
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَنَّكَ
مُحَمَّدُ ابْنُ عَبْدِ اللّٰهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ
رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ وَ
جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَبَدْتَ اللّٰهَ
مُخْلِصًا حَتّٰى بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
وَاَدَّيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ وَاِنَّكَ
قَدْ رَءُفْتَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَغَلُظْتَ عَلَى
الکافرین

الْكَافِرِينَ فَبَلَّغَ اللّٰهُ بِكَ اَفْضَلَ شَرَفِ مَحَلِّ
الْمُكَرَّمِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ
مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلَالَةِ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ
وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَعِبَادِكَ
الصَّالِحِينَ وَاَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَاَهْلِ
السَّمٰوَاتِ وَالْاَرَضِينَ وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ
الْعَالَمِينَ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلٰى
مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَاَمِينِكَ
وَنَجِيبِكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ وَخَاصَّتِكَ
وَصَفْوَتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ
اَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ فِي الْجَنَّةِ وَ

وابعثه مقاما محمودا یغبطه به الاولون
والاخرون اللهم انک قلت ولو انهم
اذ ظلموا انفسهم جاؤک فاستغفروا الله
واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا
رحیما وانی اتیت بنبیک مستغفرا تائبا
من ذنوبی وانی اتوجه الیک بنبیک
نبی الرحمة محمد صلی الله علیه واله
یا محمد انی اتوجه بک الی الله ربی و
ربک لیغفر لی ذنوبی بعد از آن دو رکعت
نماز زیارت بکند وحوایج خود را از درگاه خدا
وند عالم مسئلت نماید وچونکه از زیارات ماثوره

برز

نسبت بفخر کاینات زیارت بلیغی بنظر قاصر در سفر
مکه زادها الله عزة وشرفا نرسید نظر بعدم اجتماع
کتب درین سفر حیز اثر زیارتی تالیف نمود که غالب
آن از زیارت جامعه است که احسن واکمل از زیارات است
تغییر بعضی فقرات که مقام مقتضی آنست و غالب
اوقات آن سرور عالم باین نحو زیارت می نمود
مناسب آنست که درین مقام مثبت نماید تا دیگران
نیز از آن سعادت فایز شوند شاید این مقصر
درگاه الهی را از دعا فراموش ننمایند پس در وقتی
که مقابل صندوق سید اولیا وانبیا می ایستی بگو
السلام علیک یا رسول الله السلام علیک

يا حبيب الله السلام عليك يا خيرة الله ا
السلام عليك يا صفوة الله السلام عليك
يا امين الله السلام عليك يا نور عرش
الله ومصباح دينه السلام عليك يا
سيد انبياء الله وفخر رسله السلام
عليك يا ضياء الدجى وعلم الهدى السلام
عليك يا عماد الاتقياء وآية الله العظمى
السلام عليك يا زين الموحدين النجباء
السلام عليك يا من خصه الله بجبرئيل
الحباء السلام عليك يا كهف الورى
وحجة الله على اهل الدنيا والآخرة

والأولى السلام عليك يا غياث المكروبين
وعصمة المؤمنين السلام عليك يا امان
الخائفين وقدوة المتقين ورحمة الله
وبركاته اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شريك له كما شهد الله لنفسه وشهدت
له ملائكته واولوا العلم من خلقه لا اله الا
هو العزيز الحكيم واشهد انك يا رسول الله
عبده المنتجب ورسوله المرتضى ووليه
المصطفى وانك مهبط الوحي ومعدن
الرحمة ومختلف الملائكة ارسلك الله تعالى
بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين

كله ولو كره المشركون واشهد انك مطيع
الله الفائز بكرامته العامل بإرادته
اصطفاك بعلمه وارتضاك لسره واجتباك
لدينه واعزك لهداه وخصك ببرهانه
وانتجبك لنوره وايدك بروحه وجعلك
حجة على بريته وناصرا لدينه وحافظا
لسره وخازنا لعلمه ومستودعا لحكمته وركنا
لتوحيده وعلما ومنارا في بلاده ودليلا
على صراطه عصمك الله يا سيدنا يا رسول
الله من الزلل وامنك من الفتن وطهرك
تطهيرا بابي انت وامي ونفسي واهلي

ومالي اشهد انك رسول الله قد امرت
بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت
في سبيل الله حق جهاده وبذلت نفسك
في مرضاته وصبرت على ما اصابك في
جنبه ودعوت الى سبيله بالحكمة والموعظة
الحسنة حتى اعلنت دعوته وبينت فرائضه
واقمت حدوده ونشرت شرايع احكامه
وسننت سنته فعظمت جلاله واكبرت
شانه ومجدت كرمه واحكمت عقد طاعته
ونصحت له في السر والعلانية وادمنت
ذكره وكدت ميثاقه وانك السبيل

الاعظم والصراط الاقوم والشاهد في دار
البقاء والرحمة الموصولة والآية المخزونة
والامانة المحفوظة والباب المبتلى به الناس
من اتيك يا رسول الله فقد نجى ومن لم
يأتك فقد هلك سعد والله من والاك
وهلك من عاداك وخاب من جحدك و
ضل من فارقك وفاز من تمسك وامن
من لجأ اليك وسلم من صدقك وهدى
من اعتصم بك من اتبعك يا رسول الله
والجنة مأواه ومن خالفك فالنار
مثواه ومن جحدك كافر ومن حاربك

مشرك

مشرك ومن رد عليك فهو في اسفل درك
من الجحيم فالراغب عنك مارق واللازم
لك لاحق والمقصر في حقك زاهق والحق
معك وفيك ومنك واليك وانت اهله
ومعدنه ومأويه ومنتهيه وعلوم الانبياء
عندك واياب الخلق اليك وحسابهم عليك
وفصل الخطاب عندك وآيات الله لديك
ونوره وبرهانه عندك وامره اليك بابي
انت وامي ونفسي واهلي ومالي من اراد الله
يا رسول الله بدء بك ومن وحده قبل
عنك ومن قصده توجه بك مولاي لا احصي

ثنائك ولا ابلغ من المدح كنهك ومن الوصف
قدرك اذ بلغ الله بك اشرف محل المكرمين
واعلى منازل المقربين واسنى مدارج
المعظمين وارفع درجات المرسلين حيث لا
يفوته فائق ولا يلحقه لاحق ولا يطمع في
ادراكه طامع حتى لا يبقى مؤمن صالح
ولا فاجر طالح ولا صديق شهيد ولا ملك
مقرب ولا نبي مرسل ولا عرفهم جلالة
امرك وعظم خطرك وكبر شانك وتمام
نورك وثبات مقامك وشرف محلك
ومنزلتك عنده وكرامتك عليه وخاصتك

لديه

لديه وقرب منزلتك منه بابي انت وامي
ونفسي واهلي ومالي واشهد الله و
اشهدك اني مؤمن بك وبما امنت به
كافر بعدوك وبما كفرت به مستبصر
بشانك وبضلالة من خالفك موال لك
ولاوليائك مبغض لاعدائك ومعاد
لهم محقق لما حققت مبطل لما ابطلت مطيع
لك عارف بحقك مقر بفضلك محتجب
بذمتك معترف بك آخذ بقولك عامل
بامرك مستجير بك زائر لك عائذ بك
لائذ بقبرك متشفع الى الله عز وجل بك

ومتقرب بك اليه ومقدمك امام طلبتي
وحوائجي وارادتي في كل احوالي واموري
فاشفع لي عند الله ليثبتني ما حييت ابداً
على موالاتك ووفقني لطاعتك وارزقني
شفاعتك وجعلني من خيار مواليك ا
التابعين لما دعوت اليه وجعلني ممن
يقتص اثارك ويسلك سبيلك ويهتدي
بهداك ويحشر في زمرتك فانك نور
الاخيار وهادي الابرار وحجة الجبار
بك فتح الله وبك يختم وبك ينزل الغيث
وبك يمسك السماء ان تقع على الارض

الا باذنه وبك ينفس الهم وبك تكشف
الغم وعندك ما نزلت به رسله وهبطت
به ملائكته واليك يا رسول الله بعث
الروح الامين اتيك الله ما لم يؤت
احداً من العالمين طأطأ كل شريف لشرفك
وبخع كل متكبر لطاعتك وخضع كل جبار
لفضلك وذل كل شيء لك واشرقت
الارض بنورك وفاز الفائزين بولايتك
بك يسلك الى الرضوان وعلى من جحد
نبوتك غضب الرحمن بابي انت وامي
ونفسي واهلي ومالي كيف اصف حسن

ثنائك واحصى جميل بلائك بك اخرجنا
الله من الذل وفرج عنا غمرات الكروب
وانقذنا بك من شفا جرف الهلكات
ومن النار يا نبى الله ويا زين عرش الله
ان لى الى الله تعالى حوائج مهمة لا ارجو
الفوز بها الا بشفاعتك فبحق من ائتمنك
على سره واسترعاك امر خلقه وقرن
طاعتك بطاعته اشفع لنا عند الله
تعالى فى قضائها فان لك عند الله
المقام المحمود والجاه الوجيه والشان الكبير
والشفاعة المقبولة اللهم انى لو وجدت

شفعاء

شفعاء اقرب اليك من محمد واهل بيته
الاطهار وصحبه الاخيار لجعلتهم شفعائى
اليك وبحقهم الذى اوجبت لهم عليك
اسئلك ان تدخلنى فى جملة العارفين
بهم وبحقهم وفى زمرة المرحومين بشفاعتهم
انك ارحم الراحمين وصلى الله على محمد
واهل بيته الطيبين وصحبه الاخيار
المنتجبين وسلم تسليما كثيرا كثيرا
اگر تواند آن فخر عالم را پیوسته باین نحو زیارت
کن که بسیار مناسب است اگرچه از دور بوده باشد
و سنت است که نماز بسیار در آن مسجد بجا آورده

خصوصا در روضه که عبارت از پائین منبر و قبر شریف
آن سرور بوده باشد در طول و اما در عرض بعضی تحدید
نموده اند که از منبر است تا چهار ستون متوالی از مسجد
و در حدیث معتبر بلکه صحیح مرویست که چون از نزد قبر شریف
آن حضرت فارغ شوی برو نزد منبر پس دست بر آن
بمال و دو رمانه پائین منبر را بگیر و چشمها و روی خود را
بر آن بمال که باعث شفای چشم میشود و حمد و ثنای
الهی را نزد منبر بجا آورد و حاجتهای خود را از درگاه
بارفعت خداوند عالم مسئلت نما توضیح مطلب مقتضی آنست
که گفته شود که چون در طرف منبر بشکل چهار دانه انار
از برنج قرار داده اند دو در فوق و دو در تحت

ومراد ازین حدیث دو عدد تحتانی است مخفی نماند که
این منبر که حال موجود است در مسجد شریف آن سرور
عالم ظاهر این است که این منبر شریف زمان جناب
سرور عالم نیست لکن از شیخ شهید در کتاب دروس
آنست که استحباب امور مذکوره درین حال نیز ثابت است
فصل در زیارت سیدة النساست بدانکه از جمله آداب
مؤکد در مدینه متبرکه زیارت سیدة النساست و چون
که حضرت امیر المؤمنین بمقتضای وصیت آن معصومه را
در شب دفن فرمودند از خلق مخفی از موضع قبر شریف
آن سیده نسا عالمیان اختلاف کرده اند بعضی
گفته اند در خانه شریف خود دفن کرده اند و بعضی

گفته اند در روضه که ما بین قبر شریف جناب رسول خدا و منبر
آن حضرت دفن فرموده اند و بعضی گفته اند در بقیع مدفون
ساخته اند و اقوی اول است و این مشهور میان شیعه
و سنی است لکن اولی آنست که زیارت آن معصومه
در هر سه مکان بشود بلکه در بقیع هم در سه مکان آن
معصومه را زیارت میکند یکی با ائمه در بقیع زیارت میکند
آنمعصومه را دوم قبریست در پیش صندوق قبر ائمه در بقیع
و حالا در بقیع متداول شده که مواجه آن می ایستند
و زیارت آن معصومه میکنند و بعضی گویند آن قبر فاطمه
بنت اسد که مادر حضرت امیرالمؤمنین است میدانند
سیوم در بیت الاحزان در عایت زیارت آنمعصومه را

درین

درین مواضع نمودن اگرچه بی عیب است مظنون بظن
قوی است که قبر شریف آن معصومه میباشد که حال
صندوقی در آن میباشد ظهور آثار عظمت و جلال
در آن مکان دلیل قوی برین مطلب است و زیارت آن
معصومه در کافی چنین مذکور است اَلسَّلامُ عَلَیْکِ
یا سَیِّدَةَ نِسآءِ الْعالَمِیْنَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا
والِدَةَ الْحُجَجِ عَلَی النّاسِ اَجْمَعِیْنَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ
اَیَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ عَنْ حَقِّها اَلسَّلامُ
عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الصِّدِّیْقَةُ الطّاهِرَةُ الْمَظْلُومَةُ
اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِضْعَةَ النَّبِیِّ بعد از آن بگوید
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی اَمَتِکَ وَابْنَةِ نَبِیِّکَ وَزَوْجَةِ

وَصَلِّ عَلى نَبِيِّكَ صَلَواةً تُزْلِفُهَا فَوْقَ زُلْفى
عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ اَهْلِ السَّمٰوَاتِ
وَالْاَرَضِينَ پس هر حاجت که داری بخواه بدانکه
سنت است در مقام حضرت جبرئیل علیه السلام که تحت
ناودان است ایند عا را بخوانند اَیْ جَوَادُ
اَیْ کَرِیمُ اَیْ قَرِیبُ اَیْ بَعِیدُ اَسْئَلُکَ
اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ وَاَنْ تَرُدَّ عَلَیَّ
نِعْمَتَکَ والسلام علی من اتبع الهدی بتوفیق حضرت
شفیق در یوم الخمیس طرف العصر بحیز اتمام رسید

امتثالا لامرها العمة العالیة حفظها الله مع اولادها
النجیبة الوالیة بمحمد وآله المتعالیة باستنساخ
این رساله شریفه اقدام نمود از خوانندگان
التماس دعا دارد حرره عبد[illegible]
۱۲۵۶
آخر شهر [illegible] شعبان المعظم
۱۲۵۶

۸۵ برگ

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد